


Studying the cultural strategies of the Islamic Republic of Iran in the field of population policy of the country

Soghra Salehi

Member of the Faculty of Culture, Art and Communication Research Institute, Tehran, Iran.

salehi@ricac.ac.ir

 0000-0001-6476-8260

Abstract

The role of culture in demographic changes is vital and influential. The purpose of this research is to investigate the cultural strategies for constructing the future of the country's population based on the cultural requirements of the society. Therefore, it tries to answer this question What are the strengths and weaknesses of cultural strategies in the field of population policy?

This research is practical and with the qualitative method and SWAT model, it is tried to identify and describe the strengths and weaknesses of cultural strategies in the field of population policies, as well as the opportunities and threats of the external environment. In describing the strengths and weaknesses, the text of general population policies and upstream documents and experts' opinions are used. Today's cultural threats to the society are also identified and analyzed based on the modernization theory. Then, the recommended strategies are presented focusing on cultural weaknesses and threats. The method of collecting information is also a library.

The results of the research illustrate that the future of population growth policies in terms of the cultural situation of the society (i.e. the external environment) is in a defensive state. In other words, this situation is caused by the dominance of the weaknesses of population policies over the strengths (internal factors) and the dominance of cultural threats over opportunities (external factors). The gap between the current realities of the society and cultural policies, the quantitative view and lack of attention to cultural barriers, etc., were among the most important internal weaknesses of cultural policies and strategies for population growth. Modern cultural components such as individualism, consumerism, hedonism, carnality and replacing animals instead of having children are also the most important threats to population growth, which is far from the ideal situation. In this regard, strategies such as paying attention to the level of cultural acceptance of families, building cultural trust, investing in selection skills in the face of new cultural developments, the necessity of conducting Cultural Amish and planning based on density and cultural differences are suggested.

Keywords: Population policies, cultural strategies, cultural issues, population growth.

بررسی راهبردهای فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در حوزه سیاست‌گذاری جمعیتی کشور

صغری صالحی

عضو هیئت علمی پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات، تهران، ایران.

salehi@ricac.ac.ir

0000-0001-6476-8260

چکیده

نقش فرهنگ در تغییرات جمعیتی مهم و تأثیرگذار است. هدف پژوهش، بررسی راهبردهای فرهنگی سیاست‌های جمعیتی است. از این‌رو، می‌کوشد به این سؤال پاسخ دهد که راهبردهای فرهنگی در حوزه سیاست‌گذاری جمعیتی دارای چه نقاط ضعف و قوتی است؟ این پژوهش کاربردی بوده و با روش کیفی و الگوی سوات تلاش می‌شود نقاط قوت و ضعف راهبردهای فرهنگی در حوزه سیاست‌های جمعیتی و همچنین فرصت‌ها و تهدیدهای محیط بیرونی شناسایی و توصیف شود. در توصیف نقاط قوت و ضعف از متن سیاست‌های کلی جمعیت و اسناد بالادستی و نظر خبرگان استفاده می‌شود. تهدیدهای فرهنگی روز جامعه نیز براساس نظریه نوسازی شناسایی و تحلیل می‌گردد. سپس راهبردهای پیشنهادی با تمرکز بر نقاط ضعف و تهدیدهای فرهنگی ارائه می‌شود. شیوه جمع‌آوری اطلاعات نیز کتابخانه‌ای است. یافته‌های پژوهش، نشان می‌دهد راهبردهای فرهنگی در حوزه سیاست‌گذاری جمعیتی با توجه به وضعیت فرهنگی جامعه (محیط بیرونی) در حالت تدافعی است؛ این وضعیت ناشی از غلبه نقاط ضعف سیاست‌های جمعیتی بر نقاط قوت (عوامل درونی) و چیرگی تهدیدهای فرهنگی بر فرصت‌ها (عوامل بیرونی) است. فاصله بین واقعیت‌های روز جامعه و سیاست‌های فرهنگی، نگاه کمی و کم‌توجهی به موانع فرهنگی از مهم‌ترین ضعف‌های درونی سیاست‌ها و راهبردهای فرهنگی افزایش جمعیت است. مؤلفه‌های فرهنگی نوین مانند فردگرایی، مصرف‌گرایی، لذت‌گرایی، تن‌پرستی و جایگزینی حیوانات به جای فرزندآوری نیز مهم‌ترین تهدیدهای رشد جمعیت است که با وضعیت مطلوب فاصله دارد. در این راستا، راهبردهایی همچون توجه به میزان پذیرش فرهنگی خانواده‌ها، اعتمادسازی فرهنگی، سرمایه‌گذاری بر مهارت انتخاب‌گری در مواجهه با تحولات فرهنگی نوین، ضرورت انجام آمایش فرهنگی و برنامه‌ریزی براساس تراکم و تفاوت‌های فرهنگی پیشنهاد می‌شود.

کلیدواژه‌ها: سیاست‌های جمعیتی، راهبردهای فرهنگی، مسائل فرهنگی، رشد جمعیت.

شاپای الکترونیک: ۶۵۵X-۲۵۸۸ / پژوهشکده تحقیقات راهبردی / فصلنامه علمی راهبرد اجتماعی فرهنگی

CC BY 4.0

doi 10.22034/SCS.2023.351187.1334

مسئولیت مقاله از نظر محتوای علمی و نظرهای مطرح‌شده در متن آن، به عهده نویسندگان و یا نویسنده مسئول مقاله می‌باشد و مورد تأیید / عدم تأیید صاحب امتیاز نشر به راهبرد اجتماعی فرهنگی نمی‌باشد.

مقدمه و بیان مسئله

به‌روایت برخی مورخان، ایران در گذشته کشور پرجمعیتی بوده است. در حدود ۵۰۰ سال قبل از میلاد مسیح، جمعیت ایران باستان حدود ۴۰ تا ۵۰ میلیون نفر بوده است. هرچند این رقم مربوط به محدوده کنونی ایران نبوده و شامل سرزمین‌های وسیع‌تری می‌شده که احتمالاً وسعتی بیش از وسعت کنونی ایران داشته است. بسیاری از سیاحان و مورخان به پرجمعیت بودن شهرهای ایران نیز اشاره کرده‌اند که این خود بر کثرت جمعیت ایران در ادوار مختلف تاریخ دلالت دارد. تا نیمه قرن سیزدهم شمسی، سرشماری جمعیتی در ایران رایج نبوده است. در نخستین سرشماری نوین در زمان میرزاتقی‌خان امیرکبیر در سال ۱۲۶۸ جمعیت ایران بین ۸ تا ۱۰ میلیون نفر اعلام شده است (حسینی، ۱۳۸۶، ص. ۱۷۳).

تا اوایل دهه ۱۳۳۰ جمعیت ایران با نرخ رشد پایینی افزایش می‌یابد؛ به‌رغم اینکه فرهنگ ایرانی به‌طور سنتی با تعدد فرزند موافق بود و تأکید بر زوددهنگامی و عمومیت ازدواج نیز یک ارزش اجتماعی و مذهبی تلقی می‌شد، ولی کثرت مرگ‌ومیر اطفال به دلیل کمبود امکانات و بهداشت، اثر باروری بالا را خنثی می‌کرد و در نتیجه شمار کلی جمعیت به‌کندی افزایش می‌یابد (عباسی‌شوازی و دیگران، ۱۳۷۹). با بهتر شدن اوضاع بهداشت و درمان در طول یک دوره ده‌ساله از سال ۱۳۳۵، جمعیت کشور با نرخ متوسط رشد سالانه ۳/۱۳ درصد به ۲۵/۷ میلیون نفر در سال ۱۳۴۵ می‌رسد. در سال ۱۳۴۱ برای نخستین‌بار در برنامه سوم عمرانی کشور، موضوع جمعیت مورد توجه قرار می‌گیرد، ولی تا اواسط دهه چهل دولت سیاست مشخصی در زمینه تحدید موالید و کاهش سطح باروری ندارد تا اینکه در سال ۱۳۴۵ دولت به‌طور رسمی سیاست جمعیتی خود را مبنی بر تنظیم خانواده و کنترل زاد و ولد اعلام می‌کند و بدین ترتیب ایران به امضاکنندگان بیانیه جهانی تنظیم خانواده می‌پیوندد. این سیاست با افزایش دسترسی به خدمات جلوگیری از بارداری و فعالیت‌های تبلیغاتی و آموزشی در راستای تحدید موالید همراه می‌شود. بدین ترتیب در طول دوره ده‌ساله بعدی از ۱۳۴۵ تا ۱۳۵۵ شتاب افزایش جمعیت ایران کاهش می‌یابد. پس از انقلاب با تغییر بسترهای فرهنگی، اجتماعی و سیاسی در کشور و متوقف شدن برنامه‌های تنظیم خانواده، روند افزایش جمعیت دوباره سرعت می‌گیرد و اولین سرشماری رسمی پس از انقلاب، متوسط نرخ رشد سالانه حدود ۳/۲ درصد و آمار ۴۹ میلیون نفر در سال ۱۳۶۵ را گزارش می‌کند؛ این بالاترین نرخ در طول تاریخ تحولات جمعیتی ایران اعلام می‌شود (عباسی‌شوازی و دیگران، ۱۳۷۹، ص. ۱۷۵). بدین ترتیب، مسئولان در سال‌های پایانی

دهه شصت، مجدداً سیاست کنترل مولید و اجرای برنامه تنظیم خانواده را در اولویت قرار می‌دهند. این سیاست‌ها در اولین برنامه توسعه بعد از انقلاب طی سال‌های ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۲ به اجرا درمی‌آید. در سال ۱۳۷۱ لایحه کنترل جمعیت و تنظیم خانواده از طرف دولت تهیه و به مجلس پیشنهاد می‌شود تا اینکه در تاریخ ۱۳۷۲/۲/۲۶ تصویب می‌شود. طبق این قانون، پاداش‌های متعلق به خانواده‌های پرجمعیت قطع می‌شود و مبانی قانونی مشخصی برای اجرای برنامه‌های تنظیم خانواده فراهم می‌گردد. این تغییر رویکرد موجب می‌شود که در فاصله ده‌ساله بین ۱۳۶۵ تا ۱۳۷۵ نرخ رشد جمعیت با سرعتی استثنایی به ۱/۹۶ درصد تقلیل یابد (بنگرید به «سری‌های زمانی جمعیت» نقل از درگاه ملی مرکز آمار ایران به نشانی: www.Amar.org.ir).

بدین ترتیب، هدفی که سیاست‌گذاران برای سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۰ در نظر گرفته بودند بیش از یک‌دهه زودتر محقق می‌شود و ایران در رتبه نخست دستیابی به اهداف برنامه‌های کنترل جمعیت در جهان قرار می‌گیرد. طی سال‌های اخیر نیز، درصد رشد سالانه جمعیت ایران به دلیل کاهش میزان باروری همچنان روبه کاهش بوده و کارشناسان مختلف در سال ۱۳۹۱ نرخ کاهش جمعیت و پایین بودن میزان زادوولد را نگران‌کننده اعلام می‌کنند. زنگ خطر کاهش و پیری جمعیت در آینده، مسئولان را به تجدیدنظر در سیاست‌های جمعیتی کشور وا می‌دارد. در قدم اول، مسئولان نظام، اصلاح سیاست جمعیتی کشور را در دستور کار قرار می‌دهند؛ در این راستا، شورای عالی انقلاب فرهنگی در تاریخ ۱۳۹۱/۳/۲ به تدوین سیاست جدید جمعیتی اقدام می‌کند. در سی‌ام اردیبهشت ۱۳۹۳ نیز سیاست‌های کلان جمعیت بر اساس بند یک اصل ۱۱۰ قانون اساسی از سوی رهبر معظم انقلاب ابلاغ و بر افزایش میزان باروری به سطحی بالاتر از سطح جانشینی تأکید می‌شود.

به‌رغم اینکه در سیاست‌های فعلی جمعیت کشور بر افزایش جمعیت و تعالی خانواده تأکید شده است، ولی به‌نظر می‌رسد به ابعاد فرهنگی آن توجه چندانی نشده است. درحالی‌که تغییرات فرهنگی اعم از هنجارها، ارزش‌ها، سبک زندگی نوین و نهادینه شدن مبانی فکری جدیدی همچون اصالت فرد، لذت‌گرایی و مصرف‌گرایی را نباید نادیده گرفت؛ زیرا پذیرش آنها عملاً نهاد خانواده و مسئولیت‌پذیری برای ازدواج و فرزندآوری را تضعیف کرده و در کاهش رشد جمعیت ایران مؤثر بوده و هست؛ بنابراین، به‌غیر از مسائل اقتصادی و مشوق‌های مالی، توجه به مسائل و راهبردهای فرهنگی در سیاست‌های افزایش جمعیت اهمیت و ضرورت دارد. از این‌رو، مسئله این پژوهش، بررسی راهبردهای فرهنگی در حوزه سیاست‌گذاری جمعیتی کشور است.

۱. اهداف و سؤال‌های پژوهش

هدف این نوشتار، بررسی راهبردهای فرهنگی سیاست‌های افزایش جمعیت در دهه نود با توجه به تغییرات فرهنگی روز جامعه است. سؤالات پژوهش نیز به شرح زیر است:

سؤال اصلی: با توجه به مسائل فرهنگی روز جامعه، راهبردهای فرهنگی سیاست‌های افزایش جمعیت دارای چه نقاط ضعف و قوتی است؟

سؤال فرعی: سیاست‌های افزایش جمعیت برای رسیدن به نقطه مطلوب جمعیتی با چه فرصت‌ها و تهدیدهایی مواجه است؟

۲. پیشینه پژوهش

مسئله جمعیت و سیاست‌های جمعیتی از ابعاد مختلف بررسی شده است. در اغلب پژوهش‌ها، به رویکردها و پیامدهای اقتصادی، اجتماعی و سیاسی سالخورده‌گی جمعیت توجه شده یا به لحاظ آماری، شاخص‌های جمعیتی مطرح شده است، ولی به نقش عوامل فرهنگی بر تحولات جمعیتی کمتر پرداخته شده است. آثار مربوط به بُعد فرهنگی مسئله نیز متغیرهای محدودی را صرفاً بر فرایند و تغییرات باروری کنکاش کرده‌اند؛ مانند مقاله «متغیرهای جمعیتی و فرهنگ»؛ نوشته محمد میرزایی (۱۳۷۵) که سه متغیر باروری، مرگ و میر و مهاجرت را در کاهش زادوولد بررسی کرده است. برخی دیگر از آثار، به‌طور خاص به عوامل فرهنگی و اجتماعی نوسازی پرداخته و تأثیرات آن را در تغییرات نهاد خانواده سنجیده‌اند؛ از جمله آنان می‌توان به پژوهش‌های «بررسی تحولات اجتماعی و فرهنگی در طول سه نسل خانواده تهرانی»؛ (آزاد ارمکی و دیگران، ۱۳۷۹)، «سنت، نوسازی و خانواده؛ مطالعه تداوم و تغییرات خانواده در اجتماع ایلی با استفاده از رهیافت روش تحقیق ترکیبی»؛ (محمدپور و دیگران، ۱۳۸۸) اشاره کرد. این مطالعات با به‌کارگیری رویکردهای نظری و روش‌شناسی گوناگون، همگی بر این نکته تأکید می‌کنند که خانواده در دنیای نوین، تحت تأثیر فرایندهای نوسازی و تغییرات اجتماعی جدید، به لحاظ ساختاری و کارکردی دگرگونی‌های گسترده را تجربه کرده است؛ فرایند این تحولات با کاهش باروری و کوچک شدن بُعد خانوار همراه بوده است. علاوه‌براین، با نگاه آینده‌پژوهشی، به الزامات فرهنگی رشد جمعیت پرداخته نشده است. تنها پژوهش انجام شده با نگاه آینده‌پژوهشی می‌توان به مقاله «آینده‌پژوهی تغییرات جمعیتی ایران طی دوره ۱۳۹۰ تا ۱۴۲۰»؛ (مشفق و

حسینی، ۱۳۹۱) اشاره کرد. در این اثر، با رویکرد کمی، به رشد سالانه جمعیت، شمار و درصد جمعیت در سن کار و درصد جمعیت سالمند ایران پرداخته است. برای بررسی الگوهای تغییرات احتمالی کشور از سناریوهای سه‌گانه سازمان ملل (حدهای پایین، متوسط و بالا) استفاده گردیده و تعداد جمعیت ایران در سال ۱۴۲۰ پیش‌بینی شده است. بدین ترتیب، هیچ‌یک از این پژوهش‌ها، راهبردهای فرهنگی در حوزه سیاست‌گذاری جمعیتی کشور را با توجه به الزامات فرهنگی رشد جمعیت بررسی و تحلیل نکرده‌اند. این پژوهش، درصد رفع این نقیصه است و تلاش می‌کند با توجه به محتوای اسناد بالادستی و سیاست‌های جمعیتی کشور، نقاط قوت و ضعف راهبردهای فرهنگی را شناسایی کرده و بر مبنای وضعیت فرهنگی روز جامعه، فرصت‌ها و تهدیدها را مطرح و راهبردهای مربوطه ارائه شود.

۳. ملاحظه‌های نظری

در این بخش، ذیل تعریف مفاهیم، چهارچوب مفهومی مطرح و سپس مبانی نظری پژوهش بیان می‌شود:

۳-۱. تعریف مفاهیم

با توجه به اهمیت فرهنگ در تحولات جمعیتی، این پژوهش در نظر دارد با نگاه آینده‌پژوهشی، راهبردهای فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در حوزه سیاست‌گذاری جمعیتی کشور را با توجه به الزامات فرهنگی روز جامعه بررسی کند؛ بنابراین، چهارچوب مفهومی پژوهش، بر مفاهیم سیاست‌های جمعیتی، وضعیت مطلوب جمعیتی، راهبردهای فرهنگی افزایش جمعیت و تغییرات فرهنگی روز جامعه مبتنی است.

سیاست‌های جمعیتی، به مجموعه اصول، تدابیر و تصمیمات نوین جمعیتی گفته می‌شود که از سوی دولت‌ها برای تعیین حدود فعالیت‌های مربوط به مسائل اجتماعی و یا اموری که نتایج جمعیتی دربردارند، اتخاذ می‌شود (یاراحمدی خراسانی، ۱۳۹۳، ص ۵۷). هدف این سیاست‌ها، حفظ تعادل و پویایی ساختار کلی جمعیت است (گزارش شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۹۳). علاوه بر این، دستیابی به وضعیت مطلوب جمعیتی، یکی از اهداف مهم سیاست‌های جمعیتی است. از نظر جمعیت‌شناسان، حالت مطلوب جمعیت، حفظ پنجره جمعیتی است؛ یعنی تعداد جوانان و افراد فعال در سنین کار (جمعیت تولیدکننده بین سنین ۱۵ تا ۶۵ سال)

به‌طور قابل‌توجهی بیشتر از سالمندان، کودکان و نوجوانان (جمعیت مصرف‌کننده) باشد. آنها، این دوران را دوران طلایی می‌نامند. طبق آمار در حال حاضر جمعیت فعال کشور در دوران طلایی قرار دارد؛ اما در طی دهه اخیر، جمعیت واقع در سنین زیر ۱۰ سال کاهش یافته و زنگ خطر پیری و کاهش جمعیت فعال در سنین کار نسبت به جمعیت وابسته (مصرف‌کننده) در سال‌های آینده اعلام شده است. برای رفع این معضل، اسناد بالادستی و سیاست‌های جمعیتی، بالابردن نرخ رشد جمعیت را به‌عنوان سیاست کلان برای آینده ترسیم کرده‌اند. در این اسناد مانند بند یک ماده یک «طرح جامع جمعیت و تعالی خانواده»، دستیابی به میزان باروری کل در رشد کمی جمعیت، حداقل دوونیم فرزند به‌ازای هر زن تا سال ۱۴۰۴ عنوان شده است. در بند ۱ ماده ۱۰۲ برنامه ششم توسعه نیز هدف‌گذاری برای افزایش میزان باروری کل به رقمی بالاتر از سطح جانشینی یعنی ۲/۵ فرزند مطرح شده است. در بند اول سیاست‌های کلی جمعیت ابلاغ شده از سوی رهبر معظم انقلاب مورخ ۱۳۹۳/۲/۳۰ نیز بر افزایش میزان باروری به سطحی بالاتر از سطح جانشینی تأکید گردیده است. در بند ۷ «طرح جامع جمعیت و تعالی خانواده»، علاوه بر بُعد کمی به بُعد کیفی نیز توجه و جمعیت مطلوب، چنین تعریف شده است: «جمعیت مطلوب ترکیب دو مؤلفه کمی و کیفی جمعیت، متناسب با مبانی اسلامی است که افراد بتوانند با استفاده از امکانات، از رشد مادی و معنوی برخوردار شوند». در همین راستا، بخشی از سیاست‌های کلی جمعیت به راهبردهای فرهنگی، اختصاص یافته است.

راهبردهای فرهنگی تعیین‌کننده مسیری است که متناسب با فرصت‌ها و تهدیدها، قوت‌ها و ضعف‌های محیطی برای نیل به اهداف فرهنگی طراحی و تدوین می‌شوند (نقشه مهندسی فرهنگی کشور، ۱۳۹۲، ص. ۱۲). این راهبردها بر مبنای «ترویج و تبلیغ سبک زندگی اسلامی-ایرانی» ترسیم شده‌اند؛ محورهای دوم، چهارم، پنجم، هفتم و سیزدهم سیاست‌های کلی جمعیت نیز به‌طور ضمنی دغدغه‌های فرهنگی مرتبط با رشد جمعیت را مطرح کرده‌اند. در برنامه ششم توسعه نیز، فرهنگ‌سازی درباره ارزش‌هایی مانند ازدواج سالم، مهارت‌های فرزندپروری، ترویج و نهادینه‌سازی سبک زندگی اسلامی-ایرانی و مقابله با ابعاد نامطلوب سبک زندگی غربی محوریت یافته است. به‌طور خاص در ماده ۱۰۲ قانون برنامه ششم توسعه، به همکاری نهادهای ذیربط برای تقویت و تحکیم جامعه خانواده‌محور و تعالی خانواده تأکید شده است. معیار تعالی، رعایت شاخص‌های سبک زندگی اسلامی-ایرانی مطرح گردیده است.

به‌طور کلی، در چهارچوب مفهومی پژوهش، راهبردهای فرهنگی سیاست‌های جمعیتی براساس اسناد مطرح شده در جدول زیر به‌عنوان محیط درونی سیاست‌ها و وضعیت فرهنگی روز جامعه به‌عنوان محیط بیرونی در نظر گرفته می‌شود. درنهایت، به تأثیر تهدیدها و فرصت‌های وضعیت فرهنگی جامعه (محیط بیرونی) بر راهبردهای فرهنگی سیاست‌های جمعیتی (محیط درونی) پرداخته می‌شود.

جدول (۱): اسناد مورد بررسی

ردیف	عنوان	تاریخ تصویب
۱	برنامه ششم توسعه	۱۳۹۵/۱۲/۲۱
۲	سیاست‌های کلی جمعیت	۱۳۹۳/۲/۳۰
۳	طرح جامع جمعیت و تعالی خانواده	۱۳۹۴/۸/۱۱
۴	قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت	۱۴۰۰/۷/۲۴

منبع: (طراحی نگارنده)

۳-۲. مبانی نظری

توجه به محورهای فرهنگی در سیاست‌های جمعیتی، تأثیرگذاری فرهنگ در تغییرات جمعیتی را نشان می‌دهد. در این راستا، نظریه‌های اجتماعی و فرهنگی متعددی از سوی متفکران غربی در رابطه با تغییرات باروری و جمعیتی، در دسته‌های گوناگونی مطرح شده‌اند؛ از جمله آنها می‌توان به نظریه‌های «رتقای اجتماعی»^۱، «انتقال جمعیتی»^۲ و «نوگرایی و نوسازی»^۳ اشاره کرد. این نظریه‌ها، تغییر در ساختار فرهنگی و فکری (باورها، ارزش‌ها و نگرش‌ها) را عامل مهم و تأثیرگذار در میزان نرخ باروری و تغییرات جمعیتی می‌دانند (شرف‌الدین و چراغی‌کوتیانی، ۱۳۹۳، صص. ۵۶-۵۸). ون‌دوکا و لستاق نیز براساس نظریه گذار جمعیتی دوم بر عوامل فرهنگی در تبیین تحولات ازدواج و فرزندآوری تأکید نموده و معتقدند که دگرگونی‌های فرهنگی را نیز همچون عوامل اقتصادی باید در تبیین تغییرات اخیر در الگوهای ازدواج و باروری در نظر گرفت (کاظمی‌پور، ۱۴۰۰، ص. ۸).

کاهش باروری نیز به‌نوبه خود، زمینه تغییرات فرهنگی دیگری را به‌صورت تدریجی فراهم می‌آورد؛ تغییراتی مانند تأخیر در ازدواج و کاهش تمایل به آن،

1. Social promotion
2. Population transfer
3. Modernization and modernization

تأخیر در فرزندآوری، افزایش خانواده‌های غیرمتعارف و مقبولیت رفتارهای جنسی خارج از ازدواج، توافق بر بی‌فرزند ماندن اختیاری و سقط جنین؛ این تغییرات به‌منزله تغییرات فرهنگی، بر سرعت و شتاب تحولات باروری تأثیری بسزا داشته‌اند (شرف‌الدین، ۱۳۹۳، صص. ۵۷-۵۶). در جامعه امروز ایران نیز با دگرگونی‌های بینشی و تغییر نظام‌های معنایی در الگوهای ازدواج، رفتارهای باروری و فرزندآوری مواجه‌ایم. اگرچه خانواده همچنان یکی از نهادهای مهم اجتماعی است ولی متأثر از تحولات جهانی در حوزه فرهنگ و ارزش‌ها، دچار چالش‌های جدی شده است. مجردزیستی جوانان و به‌ویژه در بین دختران در جامعه ایرانی پدیده‌ای به نسبت جدید بوده که در حال شیوع است. مجردان با وجود احساس تنهایی، توانایی روانی پذیرش دیگرانی را برای زیست خود نداشته و تنهایی را ترجیح می‌دهند (مداحی و دیگران، ۱۴۰۰، صص. ۸ و ۴۰).

این پژوهش در نظر دارد با توجه به الزامات فرهنگی روز جامعه، راهبردهای فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در حوزه سیاست‌گذاری جمعیتی کشور را بررسی و نقاط ضعف و قوت آنها را مطرح کند.

در مفهوم‌سازی از الزامات فرهنگی، مؤلفه‌هایی مانند تغییر الگوهای ازدواج و بی‌رغبتهای فرهنگی جوانان نسبت به ازدواج و فرزندآوری، افزایش نگرش‌های فردگرایانه و لذت‌طلبانه، سوپه‌های فرهنگی سبک زندگی نوین مانند مصرف‌گرایی، بدن‌پرستی، بالارفتن سطح تحصیلات و جایگاه اجتماعی زنان مدنظر است و برمبنای نظریه نوسازی تحلیل می‌شود. طبق این نظریه، زندگی متنوع و پیچیده نوین موجب تغییر ارزش‌ها، نگرش‌ها و ترجیحات افراد شده و حس رفاه‌جویی، مصرف‌گرایی و داشتن زندگی بهتر را در آنها تقویت کرده است. آنها معتقدند که فرایند نوسازی، تغییر جهت روان‌شناختی از تقدیرگرایی به احساس خودکنترلی امور، از جمله کنترل اندازه خانواده را موجب شده است (لوکاس و میر، ۱۳۸۱، ص. ۳).

در مجموع، با توجه به موضوع، برای بررسی نقاط قوت و ضعف راهبردهای فرهنگی سیاست‌های جمعیتی، از نظریه خاصی نمی‌توان استفاده کرد و در این بخش بر تعریف مفاهیم تمرکز می‌گردد، ولی در بحث وضعیت فرهنگی روز جامعه و تأثیر آن در سیاست‌های جمعیتی به نظریه نوسازی توجه می‌شود.

۴. روش پژوهش

این پژوهش به صورت توصیفی-تحلیلی و با استفاده از روش سوات^۱، سیاست‌های فعلی جمعیت کشور را با توجه به وضعیت فرهنگی روز جامعه بررسی و تحلیل می‌کند. روش تحلیل سوات، یکی از روش‌های راهبردی و آینده‌پژوهی است که بر پایه چهار عنصر قوت^۲، ضعف^۳، فرصت^۴ و تهدید^۵ بنا شده است. این روش، نقاط قوت و ضعف درونی سازمان را با فرصت‌ها و تهدیدهای برون‌سازمانی تطابق داده و راهبردهای مطلوب را ارائه می‌دهد (دیوید، ۱۳۹۳، صص. ۳۴۲-۳۴۷). این مدل سنجش، الهام‌بخش اکثر مدل‌های اخیر برنامه‌ریزی راهبردی بخش‌های دولتی و غیرانتفاعی است (برایسون، ۱۳۸۱، ص. ۳۱). هدف اصلی آن نیز، ایجاد مطلوب‌ترین سازگاری بین سازمان و محیط مربوط است. در این روش، به ارزش‌های حاکم بر مدیریت و الزامات اجتماعی برای تعیین راهبرد توجه و باعث تدوین راهبرد واقعی و اجرایی‌تر می‌شود. علاوه بر این، به تجزیه و تحلیل وضعیت کنونی و انتخاب مراحل کاری با توجه به نقاط قوت کمک می‌کند (بیگدلی، ۱۳۸۹، ص. ۹۸). روش سوات را ابزاری کارآمد برای شناسایی شرایط محیطی و توانایی درون سازمانی دانسته‌اند؛ اما به تدریج کاربرد گسترده‌ای می‌یابد و به عنوان روشی توانمند برای تحلیل وضعیت یک جامعه و یک کشور نیز به کار می‌رود. در مجموع، سوات، تصویری کلی از وضعیت یک سازمان، جامعه یا کشور ترسیم می‌کند و موضوعات مهمی را که باید مطالعه شوند و در سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی‌ها در مسیر رسیدن به وضع مطلوب مورد توجه قرار گیرند، ارائه می‌کند (Harrison, 2021, p. 108).

در این نوشتار، شیوه گردآوری اطلاعات به صورت اسنادی و کتابخانه‌ای بوده که طی سال‌های ۱۴۰۰-۱۴۰۱ انجام شده است. ابتدا برمبنای روش سوات، وضعیت مطلوبی که اسناد بالادستی و سیاست‌های جمعیتی (برنامه ششم توسعه، سیاست‌های کلان جمعیت، طرح جامع جمعیت و تعالی خانواده و قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت) برای آینده جمعیت کشور ترسیم کرده‌اند، مطرح می‌شود. سپس با مطالعه و مرور دقیق اسناد بالادستی مرتبط با موضوع و استفاده از نظر خبرگان (جدول شماره ۳) به نقاط قوت و ضعف سیاست‌ها و راهبردهای فرهنگی

1. SWOT
2. strengths
3. weaknesses
4. Opportunities
5. Threats

رشد جمعیت پرداخته می‌شود و براساس محیط اجتماعی و وضعیت فرهنگی جامعه، فرصت‌ها و تهدیدها شناسایی و از رهگذر آن راهبردهایی برای آینده جمعیتی کشور ارائه می‌گردد.

جدول (۲): نمودار روش سوات (SWOT)

منشأ	کمک‌کننده‌ها (Helpful)	صدمه‌زنده‌ها (Harmful)
محیط بیرونی	قوت‌ها S	ضعف‌ها W
محیط درونی	فرصت‌ها O	تهدیدها T

منبع: (خجیر، ۱۳۹۸، ص. ۶)

معیار انتخاب خبرگان به شرح جدول زیر است:

جدول (۳): معیار انتخاب خبرگان

ردیف	تخصص	تعداد
۱	پژوهشگران و اساتید حوزه جمعیت‌شناسی	۸
۲	پژوهشگران و اساتید حوزه سیاست‌گذاری عمومی	۶
۳	مدیران و کارشناسان حوزه خانواده و جمعیت	۷
	جمع	۲۱

منبع: (طراحی نگارنده)

۵. یافته‌های پژوهش

در محور اول، با بررسی نقاط قوت و ضعف سیاست‌ها و راهبردهای فرهنگی (محیط درونی) به سؤال اصلی و در محور دوم با بررسی فرصت‌ها و تهدیدهای محیط بیرونی به سؤال فرعی پژوهش پاسخ داده می‌شود.

۵-۱. بررسی راهبردهای فرهنگی سیاست‌های افزایش جمعیت (محیط درونی)

اسناد بالادستی و سیاست‌های جمعیتی تلاش کرده‌اند شمایی کلی از راهبردهای مختلف اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی برای حل معضل کاهش جمعیت در آینده ترسیم کنند. در این بخش، سیاست‌ها و اسناد بالادستی با تمرکز بر راهبردهای فرهنگی بررسی و به نقاط قوت و ضعف آن به‌عنوان محیط درونی و عوامل داخلی سیاست‌های جمعیتی پرداخته می‌شود:

۵-۱. نقاط قوت

در اسناد بالادستی و سیاست‌های جمعیتی؛ مانند بند ت ماده ۱۰۲ برنامه ششم توسعه بر ضرورت افزایش جمعیت تأکید و معضلات کاهش و پیری جمعیت پیش‌بینی شده است. در این سیاست‌ها علاوه بر روش‌های مستقیم افزایش جمعیت مانند ارائه محدودیت در پیشگیری از بارداری، به روش‌های غیرمستقیم مانند فرهنگ‌سازی و ترویج فرهنگ ایرانی-اسلامی نیز توجه شده است (ماده ۷ طرح جامع جمعیت و تعالی خانواده، ماده ۲۸ قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت، ماده ۱۰۲ برنامه ششم توسعه و بند ۱۳ سیاست‌های کلی جمعیت).

سیاست‌های فرهنگی افزایش جمعیت با سطح اثربخشی بلندمدت در نظر گرفته شده‌اند؛ زیرا به زمان بیشتری برای تأثیرگذاری نیاز دارند؛ مانند بند ۲، سیاست‌های کلی جمعیت، بند ۳ برنامه ششم توسعه و ماده ۳۳ قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت که به رفع موانع ازدواج، تسهیل تشکیل خانواده، ارزش دانستن فرزندآوری و توانمندسازی در تربیت نسل صالح و کارآمد اشاره دارند.

توجه به فرهنگ‌سازی درباره تکریم سالمندان و بهره‌مندی از تجارب آنان، از نقاط قوت سیاست‌های فرهنگی افزایش جمعیت است (سیاست‌های کلی جمعیت، بند ۷، ۱۳۹۳، ص. ۱)؛ زیرا تجارب، توانمندی‌ها و سبک زندگی سالمندان، می‌تواند یادآور هویت ایرانی - اسلامی برای نسل جوان باشد و به حفظ آن کمک کند. علاوه بر این، به حفظ و جذب جمعیت در روستاها، مناطق مرزی و ایجاد مراکز جدید جمعیتی به‌ویژه در جزایر، سواحل خلیج فارس و دریای عمان تأکید شده است (سیاست‌های کلی جمعیت، بند ۱۰) که این سیاست‌ها نیز با رفع موانع جذب جمعیت در آن مناطق مانند رفع آلاینده‌های زیست‌محیطی و تقویت امنیت منطقه و تسهیل سرمایه‌گذاری‌های اقتصادی با استفاده از جذابیت‌ها و امکانات منطقه‌ای (دریا، انرژی، موقعیت راهبردی و گردشگری) می‌تواند به رشد جمعیت براساس تنوع و گستردگی فرهنگ بومی و ملی کشور کمک کند.

«چندساحتی بودن» از دیگر نقاط قوت سیاست‌هاست؛ در بند ۹ ماده ۱ طرح جامع جمعیت و تعالی خانواده، برنامه جامع تعریف و زمینه فرهنگی در کنار سایر زمینه‌های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی مطرح شده است. در اسناد موردبررسی، حفظ فرهنگ ایرانی - اسلامی در برابر سایر فرهنگ‌ها به‌ویژه فرهنگ غرب محوریت یافته است (بند ۷ طرح جامع جمعیت، بند ۴ و ۵ سیاست‌های کلی جمعیت، ماده ۲ و ۴

طرح جامع جمعیت و تعالی خانواده، ماده ۱۰۲ برنامه ششم توسعه). این اسناد به طور ضمنی به عوامل و مسائل فرهنگی مانند بالارفتن سن ازدواج، افزایش طلاق و شیوع رفتارهای پرخطر در میان جوانان نیز اشاره دارند (فصل ۳، طرح جامع جمعیت و تعالی خانواده، ماده ۱۰۲ برنامه ششم توسعه).

در سیاست‌ها، توجه به مشارکت دستگاه‌های فرهنگی در کنار سایر نهادها، نگاه جامع‌سازمانی را ذیل همکاری همه نهادهای مربوطه تکمیل کرده است؛ برای مثال، بند ب ماده ۱۰۲ برنامه ششم توسعه، بند پ ماده ۲۸ قانون جوانی جمعیت و تعالی خانواده و ماده ۱۲ طرح جامع جمعیت و تعالی خانواده، سازمان صداوسیما را مکلف نموده در برنامه‌های خود ترویج ازدواج، ضدارزش بودن طلاق و فرهنگ افزایش پایبندی زوج‌ها به خانواده را به‌عنوان محورهای اصلی سبک زندگی اسلامی ایرانی مدنظر قرار دهد.

در قانون جوانی جمعیت و تعالی خانواده بیش از سایر اسناد به فرهنگ‌سازی از طریق آموزش توجه شده و بر ورود و هم‌افزایی دستگاه‌های آموزشی و فرهنگی برای ترویج ازدواج مناسب، عروسی آسان، خانواده متعالی، تربیت فرزندان صالح با رویکرد مناسب دینی، فرهنگی، اجتماعی و علمی تأکید شده است (ماده ۴، ۲ و ۲۸ تا ۳۰).

معمولاً برای سیاست‌های کلان، مراحلی مانند تدوین، ابلاغ، مطالبه‌گری و رصد پیوسته در نظر گرفته می‌شود. در متن سیاست‌های افزایش جمعیت نیز به این مراحل اشاره و نظارت اجرای سیاست‌ها به‌ویژه بخش فرهنگی برعهده نهادهای فرهنگی گذاشته شده است. در بند ذ ماده ۱۰۲ قانون برنامه ششم توسعه نیز «ستاد ملی زن و خانواده مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی»، عهده‌دار هدایت، نظارت کلان بر برنامه‌ها، ارزیابی عملکرد وزارتخانه‌ها و دستگاه‌های مربوطه شده است. بند ث و ج ماده ۲۸ قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت، سازمان صداوسیما و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی را ناظر بر محصولات و تولیدات فرهنگی تعیین کرده است.

در رصد مستمر سیاست‌ها مانند بند ۱۴ سیاست‌های کلی جمعیت به هر دو بُعد مادی و کیفی توجه شده است. بند ۸ طرح جامع جمعیت و تعالی خانواده نیز جمعیت مطلوب را با توجه به مؤلفه‌های کمی و کیفی و ابعاد مادی و معنوی تعریف کرده است. ماده ۳ قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت، مصادیق کیفی را در سبک زندگی سالم و خانواده متعالی یادآور شده است.

برخلاف سایر اسناد، در اصلاحات قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت، در کنار سایر رفاهیات، به رفاهیات فرهنگی برای استفاده مادران از اماکن فرهنگی مانند

سینما، موزه و میراث فرهنگی توجه شده است (بند الف تا ث ماده ۲۵). علاوه بر این، در سیاست‌های فرهنگی این قانون، تدوین پیوست فرهنگی متناسب با ظرفیت‌های ملی و محلی لازم دانسته شده است (بند ح ماده ۲۸).

در سیاست‌های فرهنگی، «تحکیم بنیان خانواده و تعالی آن» محوریت دارد؛ مانند بند ۴ سیاست‌های کلی جمعیت و تبصره ۱، ماده ۵ طرح جامع جمعیت و تعالی خانواده که بر جلوگیری از ترویج برنامه‌های مخرب خانواده تأکید شده است. در قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت نیز به‌طور خاص سه ماده (۲۸ تا ۳۰) برای تبلیغ و تولید برنامه در راستای صیانت از تحکیم خانواده اختصاص داده شده است. بند ۶ ماده ۲۸ آن به تقبیح تجردزیستی و کم‌فرزندی و مذمت و حرمت سقط جنین اشاره کرده است.

در مجموع، نمونه موارد ذکر شده نشان می‌دهد سیاست‌های فرهنگی، به دغدغه‌ها و معضلات فرهنگی روز جامعه بی‌توجه نبوده است؛ برای مثال، تأکید بر ترویج سبک زندگی اسلامی-ایرانی، اشاره به تغییر و نوع سبک زندگی جامعه دارد. بند ۴ و ۵ سیاست کلی جمعیت نیز به‌صراحت مقابله با ابعاد نامطلوب سبک زندگی غربی را مطرح می‌کند، ولی سیاست‌های فرهنگی رشد جمعیت، حاوی نقاط ضعف‌هایی است.

۵-۱-۲. نقاط ضعف

برخی از جمعیت‌شناسان، بهترین حالت جمعیتی را ایجاد تناسب بین منابع و تعداد جمعیت مطرح کرده‌اند. با توجه به متفاوت بودن امکانات طبیعی و اقتصادی کشورها، حد تناسب جمعیت در هر کشوری نیز متفاوت خواهد بود (فولادی، ۱۳۹۲، ص. ۱۵۷). تناسب جمعیتی در سیاست‌های اخیر جمعیتی ایران، بر مبنای برنامه‌ریزی بلندمدت برای توسعه، پیشرفت و آبادی همه‌جانبه کشور، تلاش برای قطع وابستگی، استخراج منابع و معادن، تأکید برای افزایش ظرفیت تولیدات داخلی و به‌کارگیری نیروهای جوان بیکار در کارخانجات و مراکز تولیدی موردتوجه قرار گرفته است. به‌نظر می‌رسد رویکرد جدید سیاست‌های جمعیتی در ایران، رویکرد تناسب‌سازی جمعیت با شرایط اقلیمی و منابع موجود کشور است (فولادی، ۱۳۹۲، صص. ۱۶۲-۱۶۳)، ولی در اسناد سیاستی چشم‌انداز روشنی به‌لحاظ توان امکانات مادی و اقتصادی کشور برای افزایش جمعیت و تحقق راهبردهای فرهنگی آن دیده نمی‌شود؛ به‌ویژه اینکه امروز کشور با مشکلات معیشتی بسیاری در حوزه‌های گوناگون از جمله تأمین مسکن و شغل برای جوانان دست به‌گریبان است و این مسئله جزو عوامل مهم کاهش ازدواج و فرزندآوری

محسوب می‌شود. از سوی دیگر، دو ساحت اقتصاد و فرهنگ، بر یکدیگر اثرگذارند و ضعف ساختاری هریک بر دیگری تأثیر گذاشته و مانع نتیجه‌بخشی سیاست‌های افزایش جمعیت است. علاوه‌براین، در سیاست‌های افزایش جمعیت، نگاه کلان دیده نمی‌شود. طبق برنامه‌های جمعیتی، سیاست‌های کلان‌نگر باید برای یک دوره سی یا چهل‌ساله تنظیم شود. نبود نگاه کلان در برنامه‌های جمعیتی مختص به برنامه‌های جدید جمعیتی (از دهه نود به بعد) نیست بلکه مسبوق به سابقه بوده و در سیاست‌های پیشین جمعیت نیز لحاظ نشده است؛ بدین‌صورت که در سیاست‌های جمعیتی پسانقلاب، سه برنامه اجرا شده است: ابتدا بحث رشد جمعیت مطرح و تا سال ۶۵ به‌صورت تولیچی پیاده می‌شود. پس از آن طی سال‌های ۶۵ تا ۸۵، راهبرد کاهش جمعیت حاکم می‌شود. از سال ۸۵ به بعد سیاست تشویق زادوولد با رویکردهای تسهیلی مطرح می‌شود. به‌همین‌ترتیب در راهبردهای فرهنگی نیز نگاه جامع‌آینده‌گر که به واقعیت‌های التقاط نسلی و جمعیتی توجه کند، دیده نمی‌شود. با توجه به اینکه، فرهنگ در افزایش و کاهش جمعیت مؤثر است و با تغییرات فرهنگی، جمعیت نیز دگرگون می‌شود (از کیا و غفاری، ۱۳۸۶، ص. ۱۱۸)؛ ولی رفع موانع فرهنگی در سیاست‌های جمعیتی کم‌رنگ است. بدین‌ترتیب، مهم‌ترین ضعف سیاست‌ها، نادیده گرفتن الزامات فرهنگی روز جامعه است. تجربه کشور در سیاست‌های پیشین کاهش جمعیت نیز تأثیرگذاری مقوله فرهنگ بر جمعیت را نشان می‌دهد. در برنامه اول توسعه، موضوع تعدیل میزان رشد جمعیت مطرح می‌شود. دولت برای تحقق کاهش نرخ رشد جمعیت و اجرای آن در طی سال‌های ۱۳۷۲-۱۳۶۸، در کنار اقدامات اجرایی وزارت بهداشت برای تنظیم خانواده، به مسائل فرهنگی مانند بالابردن سطح سواد و دانش عمومی افراد جامعه؛ به‌ویژه اعتدالی موقعیت زنان از طریق آموزش و افزایش زمینه‌های مشارکت آنان در امور اقتصادی و اجتماعی جامعه توجه ویژه می‌کند. در اتخاذ راهبردها نیز، بالابردن سطح سواد و دانش عمومی افراد جامعه، عامل مؤثر در کاهش جمعیت دانسته می‌شود (برنامه اول توسعه، ۱۳۶۸، ص. ۲۳).

در راستای تصویب لایحه کنترل جمعیت و تنظیم خانواده در مجلس (۷۲/۲/۲۶) نهادهای آموزشی و فرهنگی کشور مانند وزارت آموزش و پرورش و وزارت علوم مأمور می‌شوند تا سطح دانش مردم را بالا ببرند. در این راستا، مطالب آموزشی درباره جمعیت و زبان‌های باروری بالا در متون درسی گنجانده می‌شود. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی نیز موظف می‌شود زمینه‌های جلب مشارکت فعال روزنامه‌نگاران، فیلم‌سازان و

سایر هنرمندان را فراهم کند تا از این طریق، سطح آگاهی‌های عمومی درباره تنظیم خانواده را ارتقا دهد. سرانجام، اقدامات فرهنگی در کنار فعالیت‌های حمایتی وزارت بهداشت و برنامه‌های تنظیم خانواده به‌ثمر می‌نشینند و در اولین بررسی نمونه‌ای وزارت بهداشت در خردادماه ۱۳۷۳ بازتاب پیدا می‌کند. طبق این بررسی، رشد جمعیت ۱/۸٪ گزارش می‌شود که کمتر از میزان پیش‌بینی شده در برنامه است (اجاق و عباسی‌شوازی، ۱۳۹۷، ص. ۱۳۸)؛ بنابراین، توجه سیاست‌های جمعیتی و برنامه‌های توسعه به اقدامات فرهنگی، در کاهش بی‌سابقه باروری ایران در سه دهه اخیر تأثیر به‌سزایی داشته و تغییرات فرهنگی همسو با پذیرش مردمی بوده است؛ اما امروزه، بر اثر همان اقدامات فرهنگی دهه‌های گذشته، ساختار و وضعیت فرهنگی جامعه به سمت فرهنگ و سبک زندگی نوین غرب پیش رفته و همسو با سیاست‌های فرهنگی افزایش جمعیت نیست؛ بدین‌صورت که در راهبردها به سبک زندگی ایرانی-اسلامی اشاره شده، ولی صرف این اشاره، نمی‌توان باورهای افراد را تغییر داد. اگرچه در راهبردها، انتظارات فرهنگی برای دستیابی به وضعیت مطلوب جمعیتی ترسیم شده، ولی محورهای آن بر وضعیت آرمانی بنا شده‌اند و به‌دلیل اقبال بخشی از جامعه؛ به‌ویژه جوانان به فرهنگ و سبک زندگی نوین، مشخص نیست راهبردهای انتخابی چقدر می‌تواند همگام با وضعیت فرهنگی جامعه پیش رود و مؤثر واقع شود.

راهبردهای فرهنگی به‌صورت ضمنی، به آسیب‌های فرهنگی اشاره دارند، ولی به نقش وضعیت فرهنگی روز جامعه در کاهش و پیری جمعیت پرداخته نشده است. به‌عبارتی، نتیجه‌بخشی سیاست‌های تبلیغی به همسویی با شرایط جامعه نیاز دارد. اگر در فرهنگ و سبک زندگی گذشته، باور دینی به رزاقیت خداوند در فرزندآوری تأثیر داشته است، ولی امروزه اندیشه استحباب فرزندآوری کم‌رنگ و عامل فرزندآوری تلقی نمی‌شود. بنابر نظر محققان، تاریخ معاصر ایران روایت‌گر تقلای یک جامعه ریشه‌دار محلی از یک‌سو برای ماندن (تداوم) و از سوی دیگر، برای نوین شدن (تغییر) بوده است. در بستر تحولات فرهنگی، برخی از الگوهای تاریخی حاکم بر خانواده و به تبع آن ارزش‌ها و ایدئال‌های مربوط به ازدواج و فرزندآوری در جوامع غیرغربی و همچنین در ایران دستخوش تغییر شده است؛ تغییر از خانواده گسترده به هسته‌ای، از خانواده‌گرایی به فردگرایی، از ازدواج در سنین جوانی به ازدواج در سن بالا، از باروری طبیعی به فرزندآوری کنترل شده، از تعداد فرزندان بیشتر به فرزندان کمتر، از جمله تغییرات ناشی از این گذار بوده است (کاظمی‌پور، ۱۴۰۰، صص. ۸-۹).

از دیگر ضعف‌های سیاستی، غلبه رویکرد کمی و تکنیکی به افزایش جمعیت است.

مرور بندهای سیاست‌های جمعیتی و محورهای برنامه ششم توسعه، محوریت نگاه کمی و مسائل حمایتی مربوط به آن را نشان می‌دهد؛ برای مثال، در بند اول سیاست‌های کلی جمعیت (۱۳۹۳) چنین آمده است: «ارتقاء پویایی، بالندگی و جوانی جمعیت با افزایش نرخ باروری به بیش از سطح جانشینی». هدف اول پیشنهادی در راستای این سیاست نیز «ارتقای نرخ باروری کلی نسبت به میزان پایه» مطرح شده است. در طرح جامع جمعیت و تعالی خانواده، سطح جانشینی باروری، سطحی دانسته شده که در آن میزان کمی جمعیت از یک نسل به نسل بعدی جایگزین خود می‌شود؛ این عدد با توجه به محاسبات علمی حداقل ۲۰۱ مطرح شده است.

در اهداف سیاست‌های برنامه ششم توسعه به‌ویژه سیاست ششم نیز، غلبه نگاه کمی دیده می‌شود؛ مانند کاهش مرگ مادران باردار که به میزان ۱۵ در ۱۰۰ هزار تولد زنده و کاهش مرگ نوزادان به میزان ۷ در هزار تولد زنده مطرح شده است. برای دستیابی به اهداف کمی، بیشترین محور سیاست‌های ابلاغی فرزندآوری در راستای توسعه خدمات رفاهی و مراقبت‌های پزشکی اختصاص یافته است. محورهای سیاست‌های کلی جمعیت درباره فرزندآوری نیز بیشتر بر مهارت‌های فرزندپروری و مراقبت‌های آموزشی در دوران کودکی متمرکز است؛ یعنی این سیاست‌ها پیشینی نبوده بلکه پسینی و مربوط به بعد از فرزندآوری است.

در اسناد موردبررسی، به‌نظر می‌رسد عامل مهم کاهش جمعیت اقتصادی دانسته شده؛ زیرا در سیاست‌ها غلبه با تسهیلات مادی و رفاهی است (طرح جامع خانواده: ماده‌های ۸ تا ۱۴ و ۲۰ تا ۲۹، قانون جوانی جمعیت: ماده ۳ تا ۲۷). در رفع موانع ازدواج نیز بیشتر متمرکز بر موانع اقتصادی، حمایت‌های مالی و تسهیلات دوران بارداری شده است (سیاست‌های کلی جمعیت، بند ۲). در طرح جامع جمعیت و تعالی خانواده، مشوق‌های فرهنگی برای عوامل فرهنگی کاهش جمعیت دیده نمی‌شود. اعتبارات هزینه‌ای نیز به امور رفاهی و معیشتی تخصیص یافته و مسائل فرهنگی نادیده گرفته شده است (طرح جامع جمعیت و تعالی خانواده: ماده ۸ و تبصره‌های ۱ و ۲، قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت: ماده ۱۰، ۱۱، ۶۸ و ۶۹، ۷۲).

برخی از سیاست‌ها حالت ایدئال و آرمانی دارند؛ برای مثال، سن مناسب برای ازدواج آقایان ۲۵-۲۰ سال و برای خانم‌ها ۲۲-۱۸ سال مطرح شده و سن باروری مطلوب نیز ۱۸ تا ۳۵ سالگی ذکر شده است. سایر اقدامات به‌ویژه خدمات رفاهی و تسهیلی با توجه به این محدوده‌های سنی، تدوین شده است. با توجه به شرایط روز جامعه، دستیابی به این معیارها دور از واقعیت است. علاوه‌براین، فرهنگ‌سازی برای

توجه به این معیارها، فقط به تبلیغات صداوسیما معطوف شده است. این مسئله با توجه به گرایش و استفاده بیشتر از شبکه‌های اجتماعی قابل تأمل است. به بیان دیگر، تبلیغ سیاست‌های فرهنگی بدون توجه به مخاطبان، بر عهده مراکز آموزشی و فرهنگی دولتی نهاده شده است (قانون جوانی جمعیت، ماده ۳۲ و ۳۳).

طرح جامع جمعیت و تعالی خانواده در تعریف جمعیت مطلوب، به مؤلفه‌های کمی و کیفی و ابعاد مادی و معنوی اشاره کرده؛ اما در بندهای این طرح غلبه با ابعاد مادی و مؤلفه‌های کمی است (بند ۷، ماده ۱). در قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت (ماده ۳۳ تا ۳۶) نیز به درستی بحث آموزش مسائل مرتبط با افزایش جمعیت در سطح مدارس و مراکز آموزشی مورد توجه قرار گرفته، ولی به تعارض آموزش‌های خانوادگی با مراکز آموزشی و خنثی شدن آن توجهی نشده است.

فصل سوم طرح جامع خانواده و تعالی جمعیت به کاهش میزان طلاق اختصاص داده شده و به سازش با نگاه مددکاری و با ورود مشاوران قوه قضائیه و سازمان بهزیستی تأکید شده ولی به عوامل فرهنگی کاهش طلاق توجه نشده است. در قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت نیز سه ماده (۲۸-۳۰) با محوریت سازمان صداوسیما و مشارکت نهادهای فرهنگی مانند وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و سازمان تبلیغات برای تبلیغ و تولید برنامه در راستای افزایش جمعیت و صیانت از تحکیم خانواده‌ها اختصاص یافته؛ اما به تأثیرات فرهنگی تجردزیستی، دوستی‌های قبل از ازدواج و ازدواج سپید اشاره‌ای نشده است.

جدول (۳): عوامل درونی راهبردهای فرهنگی سیاست‌های جمعیتی

عوامل درونی (داخلی)	کد	نقاط قوت و ضعف سیاست‌های افزایش جمعیت
قوت‌ها	S1	توجه به فرهنگ‌سازی از طریق آموزش و ترویج فرهنگ ایرانی-اسلامی
	S2	ترسیم نگاه جامع سازمانی و مشارکت دستگاه‌های فرهنگی برای اجرای سیاست‌های افزایش جمعیت (آموزش و پرورش، صداوسیما و...)
	S3	اشاره به شرح وظایف و اقدامات نهادهای فرهنگی
	S4	ترسیم راهبردهای فرهنگی بر مبنای ارزش‌ها و نگرش‌های دینی و ملی و طرح مقابله با ابعاد نامطلوب سبک زندگی غربی

عوامل درونی (داخلی)	کد	نقاط قوت و ضعف سیاست‌های افزایش جمعیت	
	S5	توجه به لزوم به‌کارگیری روش‌های غیرمستقیم (فرهنگی) در کنار روش‌های مستقیم (رفاهی و مالی)	
	S6	توجه به حفظ هویت فرهنگ ایرانی-اسلامی از طریق احترام و تکریم سالمندان	
	S7	توجه به تنوع و گستردگی فرهنگ بومی و ملی کشور	
	S8	اشاره به لزوم تدوین پیوست فرهنگی رشد جمعیت متناسب با ظرفیت‌های ملی و محلی در اصلاحیه قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت	
	S9	چندساحتی بودن سیاست‌ها و تأکید به فعالیت‌های ترویجی	
	S10	موظف شدن نهادهای فرهنگی برای نظارت و رصد مستمر سیاست‌ها	
	S11	محوریت تحکیم بنیان خانواده و تعالی آن در سیاست‌های فرهنگی	
	ضعف‌ها	W1	فاصله بین وضعیت فرهنگی روز جامعه و سیاست‌های فرهنگی
		W2	یکنواختی سیاست‌ها و بی‌توجهی به فاصله‌های فرهنگی بین دهک‌ها و مناطق مختلف کشور
		W3	تمرکز بیشتر بر موانع اقتصادی ازدواج و تأکید بر حمایت‌ها و پوشش‌های مالی و کم‌رنگ بودن مشوق‌های فرهنگی
		W4	مشخص نبودن چشم‌انداز آینده سیاست‌های جمعیتی با توجه به توان امکانات مادی و اقتصادی
W5		نبود نگاه کلان فرهنگی در سیاست‌های جمعیتی	
W6		غلبه رویکرد کمی به افزایش مولید در بخش فرهنگی اسناد بالادستی	
W7		نبود تبیین جامع و شفاف از توانمندسازی فرهنگی کشور برای رفع موانع ازدواج و تسهیل تشکیل خانواده	

عوامل درونی (داخلی)	کد	نقاط قوت و ضعف سیاست‌های افزایش جمعیت
	W8	تمرکز بر سیاست‌های پسینی مربوط به فرزندآوری نه پیشینی مانند تمرکز بیشتر بر مهارت‌های فرزندپروری
	W9	اولویت‌دهی به خواست سیاست‌گذاران و نادیده گرفتن نگرش‌ها و خواست مردم؛ به‌ویژه جوانان
	W10	تمرکز صرف راهبردهای فرهنگی بر تبلیغ سبک زندگی ایرانی-اسلامی
	W11	غلبه نگاه آرمان‌گرایی فرهنگی در ترسیم راهبردها
	W12	اشاره ضمنی و گذرا به آسیب‌های فرهنگی در تدوین راهبردها
	W13	بی‌توجهی به تعارض آموزش‌های خانوادگی با مراکز آموزشی و فرهنگی
	W14	تمرکز بر صداوسیما برای تبلیغ سیاست‌های فرهنگی بدون توجه به نقش شبکه‌های اجتماعی
	W15	نادیده‌گرفتن رفع مسائل فرهنگی در تخصیص اعتبارات مالی

منبع: (طراحی نگارنده)

۲-۵. بررسی محیط بیرونی جامعه

سیاست‌های جمعیتی به‌ویژه راهبردهای فرهنگی آن را نمی‌توان بدون توجه به ساختار محیطی و وضعیت روز جامعه تدوین کرد. ساختارهای محیطی از این جهت مهمند که در نتیجه‌بخشی سیاست‌ها، همگرایی یا واگرایی ایجاد می‌کنند (نائینی، ۱۳۸۹، ص. ۴۵). در این بخش، به فرصت‌ها و تهدیدهای محیط بیرونی و عوامل خارجی که در سیاست‌های رشد جمعیت مؤثرند، پرداخته می‌شود:

۱-۲-۵. فرصت‌ها

فرصت، یک موقعیت مطلوب در محیط سازمان و نهاد است (پیرس و رابینسون، ۱۳۷۶، ص. ۳۰۷). در این بخش، برخی از فرصت‌های مهم فرهنگی کشور که می‌تواند در رشد جمعیت مؤثر باشد، بررسی می‌شود:

دین به‌عنوان یکی از عناصر مهم فرهنگ در رشد باروری و جمعیت تأثیرگذار است. نگرش ادیان بزرگ (اسلام، مسیحیت و یهودیت) موافق با زادوولد فراوان و خانواده‌های بزرگ و گسترده است. در این ادیان، فرزند نشانه برکت و توجه خداست (کتابی، ۱۳۷۷، صص. ۳۲-۳۴). اسلام نیز نگاه مثبت به فرزندآوری داشته و فرزندکشی را به‌خاطر تنگدستی نهی کرده است (امانی، ۱۳۸۹، ص ۹). یافته‌های پروژه بین‌المللی که توسط مؤسسه تحقیقاتی پیو^۱ (۲۰۱۳) انجام شده، نشان می‌دهد که نسبت قابل‌ملاحظه‌ای از مسلمانان در برخی کشورهای اسلامی با برنامه‌های کنترل جمعیت مخالفند و نرخ باروری مسلمانان در مقایسه با غیرمسلمانان بالاتر است (فروتن، ۱۳۹۹، ص. ۱۲)؛ بنابراین، ظرفیت اسلام و گرایش بخشی از مردم به باورهای دینی و مذهبی، فرصتی است که می‌توان برای افزایش فرزندآوری بهره برد. علاوه‌براین، فرزندآوری کماکان در فرهنگ و اقتصاد جامعه ایران یک ارزش و تمایل محسوب می‌شود (فروتن و کرمی، ۱۳۹۵، ص. ۹۷).

از دیگر فرصت‌ها می‌توان به بافت فرهنگ بومی و سنتی در برخی مناطق و حفظ برخی عناصر آن به‌ویژه در مناطق روستایی اشاره کرد؛ برای مثال، ترجیح جنسی (ترجیح فرزند پسر بر دختر) یک ارزش فرهنگی اجتماعی نسبتاً دیرپا در ایران است که در میزان رشد باروری مؤثر بوده است؛ زیرا این ترجیح، با انگیزه‌های مختلف اقتصادی، سیاسی، مذهبی، نیاز بیشتر به نیروی کار مردانه، ضرورت تأمین امنیت، استمرار نسل، کسب اقتدار و نفوذ اجتماعی و تکثیر پیروان یک دین مستند بوده است (شرف‌الدین و چراغی‌کوتیانی، ۱۳۹۳، ص. ۷۱). در گذشته، این انگیزه‌ها، امید به افزایش فرزند پسر و نرخ باروری را افزایش می‌داد. نتایج تحقیقات نیز نشان می‌دهد مسئله ترجیح جنسیتی همچنان به‌منزله یک انگاره ارزشی در برخی مناطق وجود دارد و هرچه رنگ نگرش سنتی نسبت به نقش‌های جنسیتی برجسته‌تر می‌شود، میزان تمایل به الگوی ترجیح فرزند پسر نیز رو به افزایش می‌نهد (فروتن و اشکاران، ۱۳۹۷، صص. ۷۵-۷۶).

بنابر نظر محققان، خانواده ایرانی به‌تبع الگوی جهانی، در حال هسته‌ای شدن است، ولی در همین فرایند نیز خانواده با حفظ نسبی هویت ملی و دینی خود در پاره‌ای از تحولات، مقاومت نشان می‌دهد. اگرچه در نتیجه تحولات اقتصادی که در یک‌دهه اخیر در ایران بروز یافته، روابط خویشاوندی کم‌رنگ‌تر شده است؛ اما روابطی

از جنس دوستی اجتماعی و مشارکت‌های مدنی به‌ویژه در بین زنان افزایش چشمگیر یافته است (رحیمی و رازقی نصرآباد، ۱۳۹۸، ص. ۷۶). علاوه بر این، به‌رغم تغییرات قابل توجهی که در کارکردهای حمایتی (از فرزندان و افراد سالمند) ایجاد شده، منسوخ شدن در این رابطه مطرح نیست و فرزندان همچنان از حمایت‌های مختلف خانواده برخوردارند، گرچه نوع و شیوه حمایت‌ها متفاوت شده است (رحیمی و رازقی نصرآباد، ۱۳۹۸، صص. ۸۱-۸۲)؛ بنابراین، با وجود تحولات عمیق در برخی ارزش‌ها و هنجارها، حفظ نظم دینی و سنتی در عرصه خانواده و روابط خویشاوندی، فرصتی است که می‌توان برای رشد جمعیت بهره‌برداری کرد. از دیگر ظرفیت‌ها، می‌توان به نوروژ، شب یلدا، روز زن و مادر و مراسم‌های مذهبی اشاره کرد که باعث استحکام پایه‌های روابط خویشاوندی و خانوادگی می‌شود.

ظرفیت جوانی، بالندگی و پویایی نیروی کنونی کشور، فرصت مهمی است که در سیاست‌های کلی جمعیت نیز بدان اشاره شده است. مقام معظم رهبری نیز بارها ظرفیت جوانی کشور را برای جلوگیری از پیری جمعیت در آینده گوشزد کرده‌اند (بیانات رهبری، ۱۳۹۸/۸/۲۸). به عبارت دیگر، کشور در دوران طلایی و موقعیت پنجره جمعیتی قرار دارد؛ یعنی بیشتر جمعیت کشور جوانند و در سنین کار و فعالیت به سر می‌برند. جمعیت‌شناسان، پنجره جمعیتی را هدیه جمعیتی می‌دانند؛ زیرا این دوران، بستری مهم برای رشد اقتصادی است. افزایش تعداد تولیدکنندگان (جمعیت در سن کار) نسبت به تعداد مصرف‌کنندگان (جمعیت کودکان، نوجوانان و سالمندان) به طور طبیعی افزایش تولید سرانه را به دنبال دارد (حسین‌زاده، ۱۳۹۸، ص. ۱۲۸). طبق تحقیقات انجام شده، فاز پنجره جمعیتی در ایران حدوداً از دهه ۱۳۸۰ آغاز شده و تا حدود دهه ۱۴۳۰ ادامه خواهد یافت (حسین‌زاده، ۱۳۹۸، ص. ۱۲۵)؛ بنابراین، از این فرصت زمانی، جوانی جمعیت و سن کار، علاوه بر توسعه اقتصادی، می‌توان برای رشد جمعیت نیز بهره‌برداری کرد؛ زیرا مسائل جمعیتی، با تولید، بهره‌وری و توسعه در ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ارتباط تنگاتنگی دارند.

به‌رغم اینکه، حاکمیت خود نقش برساخت‌گرایانه در حوزه فرهنگی داشته و تعیین‌کننده است؛ اما افزایش جمعیت نیازمند مشارکت‌های مردمی نیز است. با مدیریت مشارکتی می‌توان به هر دو نقش (حاکمیت و مردم) توجه کرد. مدیریت مشارکتی، یکی از کارکردهای نسبتاً جدید مدیریت است که با به‌رسمیت شناختن اهمیت نیروی انسانی، می‌کوشد راهکارهایی را برای حضور فعالانه همه افراد در

موقعیت‌ها بیاید (یوسفی و دیگران، ۱۳۹۴، ص. ۲۴۱). بنابراین، تقویت ظرفیت‌ها و مشارکت‌های مردمی، فرصت مهمی است که می‌توان برای تحقق سیاست‌های راهبردی و کلان کشور مانند مشکلات فرهنگی رشد جمعیت بهره برد. تجربه کشور نیز نقش آفرینی مردم در حوزه‌های مختلف و اثربخشی مشارکت آنان در شرایط بحرانی را نشان می‌دهد.

در برنامه‌های توسعه و سیاست‌های پیشین کاهش جمعیت، بر افزایش سطح دانش عمومی افراد جامعه به‌ویژه زنان بسیار تأکید شده است؛ طبق این سیاست‌ها، بالارفتن سطح سواد زنان، اشتغال و مشارکت‌های اجتماعی آنان، فرصتی برای کاهش فرزندآوری بوده که نتیجه‌بخش نیز می‌شود. امروزه، ضریب پوشش تحصیلی دختران و زنان بالاتر رفته و مشارکت آنان در امور اجتماعی و فرهنگی نیز افزایش یافته است؛ این ظرفیت را می‌توان به فرصت تبدیل کرد و برخلاف گذشته برای تبیین علمی پیامدهای منفی کاهش جمعیت برای کشور و رفع معضلات فرهنگی و اجتماعی رشد جمعیت استفاده کرد.

۵-۲-۲. تهدیدها

در این بخش، برخی از تهدیدهای فرهنگی از منظر رواج سبک زندگی مدرن، برنامه‌های توسعه و سیاست‌های پیشین کاهش جمعیت کشور بررسی می‌شود. منظور از تهدیدها، الزامات فرهنگی روز جامعه است که در نقش محیط بیرونی، سیاست‌های فرهنگی افزایش جمعیت را تهدید می‌کند. اگرچه در سیاست‌های افزایش جمعیت ۲/۲ فرزند در ایران معیار مناسب برای افزایش جمعیت در نظر گرفته شده؛ اما این در صورتی محقق خواهد شد که جوانان به ازدواج و فرزندآوری با این معیار روی بیاورند. بنابر نظر محققان، رواج فرهنگ نوین در ایران، مانند فردگرایی، مصرف‌گرایی، رفاه‌طلبی، بدن‌پرستی و ازدواج سپید نقش مؤثری در تغییرات ساختاری و کارکردی خانواده، عدم اقبال به ازدواج، فرزندآوری و کاهش جمعیت داشته است. نتیجه پژوهش‌های پیمایشی نیز نشان می‌دهد که با نوین سبک شدن زندگی، تمایل به باروری کاهش پیدا کرده است. در مقابل، سنتی بودن سبک زندگی، بر افزایش میزان باروری زنان تأثیر داشته است (ارجمند سیاهپوش و برومند، ۱۳۹۵، صص. ۲۲-۲۳)؛ بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت متأثر از سبک زندگی نوین و نوسازی، ارزش‌های معطوف به خانواده بزرگ در ایران کمرنگ شده و فردگرایی به‌معنای ترجیح منافع فرد بر منافع جمع در حوزه خانواده رواج یافته است. از نظر

محققان، تغییراتی مانند افزایش آمار طلاق، کاهش نرخ باروری و افزایش سن ازدواج، به دلیل گسترش فردگرایی و تضعیف ارزش‌های خانوادگی است (کاظمی‌پور، ۱۴۰۰، ص. ۸).

فردگرایی به معنای خویشتن‌خواهی، تقدم منافع فردی یا بی‌توجهی به منافع جمعی، مانع جدی برای سیاست‌های افزایش جمعیت است؛ زیرا ساختار خانواده با مؤلفه‌های جمعی نظام‌مند شده و اولویت با خواست‌های جمع است. علاوه‌براین، تشکیل خانواده و ازدواج، بر مبنای اصولی همچون پایبندی به تعهدات، توجه به جمع و از خودگذشتگی بنا می‌شود و دوام دارد، ولی در تفکر فردگرایی؛ خودبینی، لذت فردی و تنها خوش‌بودن رواج دارد و احساس تعهد به دیگری و ایثار بی‌معناست. به عبارتی، در فردگرایی بیشتر بر استقلال و آزادی فردی تأکید شده و افراد احساس تعهدی نسبت به جمع ندارند (کاظمی‌پور، ۱۴۰۰، ص. ۱۳). به‌طور کلی، فرزندآوری به‌عنوان عاملی که در بطن خود، نادیده گرفتن آسایش فردی را به‌همراه دارد، در برابر مؤلفه‌های فردگرایی مانند: توجه به حقوق فردی و رفاه، به‌ناچار محکوم به عقب‌نشینی است (حیدری، ساروخانی و ادیسی، ۱۴۰۲، ص. ۱۰۷۵)؛ بنابراین، رواج فردگرایی یکی از عوامل مؤثر در بالارفتن سن ازدواج و کاهش تشکیل خانواده دانسته شده است. اندیشمندانی مانند فوکویاما^۱، گیدنز^۲ و بک^۳ ظهور فردگرایی در خانواده را به‌مثابه رهایی از قیدوبندهای الزام‌آور بیرونی تعریف و با تمرکز بر تحولاتی چون توسعه شهرنشینی، بهبود وضعیت اشتغال زنان و توسعه فناوری‌های پیشگیری از بارداری بیان کرده‌اند (سهراب‌زاده و دیگران، ۱۳۹۹، ص. ۱۷۲). فردگرایی با فرزندآوری نیز در تعارض است؛ زیرا زوجین باید از بسیاری خواسته‌های خود برای فرزند (دیگری) بگذرند. علاوه‌براین، فرزندآوری مسئولیت‌هایی را دربردارد که در تعارض با منافع فردگرایی است.

فرهنگ امروز جامعه از خانواده هسته‌ای به سمت تجردزیستی و خانواده‌گریزی در حال حرکت است؛ زیرا چهارچوب روابط در حوزه خانواده برای جوانان قانع‌کننده نیست. همچنین، به‌خاطر مشغله‌ها، افزایش نیازها و اضطراب زمان، ترجیح آنان بر تنهازیستی است. پژوهش‌های انجام شده نیز نشان می‌دهد که گسترش ارزش‌های فردگرایانه باعث تضعیف رابطه فرزندان با والدین و کاهش تعلق به هنجارهای

1. Fukuyama
2. Giddens
3. Back

خانوادگی شده است؛ آنان، والدین خود را در اموری مانند نحوه گذران اوقات فراغت، انتخاب همسر، اهداف شخصی و حریم خصوصی خود کمتر همراهی می‌کنند (معیدفر و صبوری خسروشاهی، ۱۳۸۹، ص. ۱۶).

مصرف‌گرایی، از دیگر مظاهر سبک زندگی نوین و نوسازی است که به یکی از الگوهای متعارف تبدیل شده است. «مصرف می‌کنم پس هستم»؛ شعار فرهنگ مصرف‌گرایی است. این فرهنگ، متضمن نوعی ایدئولوژی نهفته است که گاه به صورت اسراف کردن نمود پیدا می‌کند؛ یعنی خوشبختی این جهانی، چیزی جز قدرت و امکان بهره‌برداری پیاپی از کالاها و خدمات متنوع و ارضاکنده نیست (ادگار و سجویک، ۱۳۸۷، صص. ۲۴۳-۲۴۵).

مصرف‌گرایی در گذشته عمدتاً به طبقات مرفه و تا حدی به طبقات متوسط جامعه اختصاص داشت؛ اما اکنون عمومیت یافته است و همه اقشار، هرچند با درآمدهای متفاوت، بدان گرایش دارند. اصل مصرف مشترک است؛ فقط تفاوت در قدرت خرید نوع کالا، قیمت و کیفیت آن است. ساحت‌های مصرفی رفاه نیز از سطح نیازهای ضروری مانند مسکن و معیشت عبور کرده و به نیازهای غیرضروری گسترش یافته است. اشتیاق افراد به‌ویژه جوان‌ها به مدهای روز، برندهای خاص، اجناس لوکس و گران‌قیمت و انواع تفریحات و لذات زودگذر نیز به فرهنگ مصرف‌گرایی دامن زده است (شرف‌الدین، ۱۳۹۴، ص. ۱۹). فرهنگ مصرف‌گرایی، مانع ازدواج، تشکیل خانواده و فرزندآوری است؛ زیرا خوشی‌ها و لذت‌های برآمده از مصرف‌گرایی را محدود می‌کند. از سوی دیگر، فرزندآوری به مصرف می‌افزاید و تهدیدی برای والدین مصرف‌گراست که باید از خواسته‌های فردی خود بگذرند. بدین ترتیب، فرهنگ مصرف‌گرایی در تعارض با سیاست‌های افزایش جمعیت است.

مصرف‌گرایی و فردگرایی، در پی خواسته مهم‌تری چون لذت‌گرایی است. سبک زندگی نوین، بیانگر بازسازی فرهنگ جدید خوش‌باشی و آسایش است؛ زیرا سطح آسایش پیشین، کافی و رضایت‌بخش نیست. امکانات گذشته نیز تغییر کاربری داده‌اند؛ به‌عنوان مثال، خانه دیگر تنها محلی برای آرامش، استراحت و محافظت نیست بلکه از آن انتظار می‌رود موجبات خوش‌باشی و لذت‌های نوین را فراهم کند. خوش‌باشی‌ها و لذت‌گرایی‌های نوین در مقایسه با پیشانویین، زودگذر، سطحی‌تر و فردگرایانه‌تر است؛ بنابراین، افراد برای ارضای این میل پیوسته به لذت‌های جدید

روی می‌آورند؛ برای نمونه، می‌توان به شکل‌های نوظهور مدیریت بدن اشاره کرد. امروزه، مدیریت بدن به معنای دستکاری در نمای ظاهری بدن؛ به‌ویژه در بین زنان جایگاه ویژه‌ای یافته و با فرهنگ خوش‌باشی، مصرف‌گرایی و لذت‌گرایی پیوند خورده است. بدن، علاوه بر بُعد زیست‌شناختی، به‌عنوان محصولی اجتماعی و روان‌شناختی مورد توجه است (رقیبی و میناخانی، ۱۳۹۰، ص. ۷۳). در گذشته، مدیریت بدن بیشتر در نظافت و سلامتی بدن خلاصه می‌شد، ولی امروزه، سادگی و کاربری پیشین خود را از دست داده و با مراقبت‌های بهداشتی، پوستی و زیبایی‌های نوین، نمود تازه‌ای پیدا کرده و بیشتر غلبه با ارضای حس زیبایی‌شناسانه، لذت‌گرایی و مورد توجه قرار گرفتن است (امیرپورسعید و دیگران، ۱۴۰۰، صص. ۴۹ و ۶۷).

امروزه، لذت‌گرایی افراطی و در نمونه خاص مدیریت بدن از ابعادی مانند مراقبت‌های بهداشتی، آرایشی، کنترل وزن و زیبایی در بین برخی زنان رواج یافته و در کاهش باروری تأثیرگذار دانسته شده است. نمونه‌گیری‌های انجام‌شده از زنان در آستانه ازدواج شهر تهران با روش پیماشی، رابطه بین مؤلفه‌های سبک زندگی نوین از جمله مدیریت بدن و نگرش به فرزندآوری را معنادار و اثربخش نشان داده و نتیجه گرفته شده که زنان بررسی‌شده نگرش متوسط و ضعیفی به فرزندآوری و کارکردهای آن دارند (کاوه‌فیروز؛ زارع و شمس‌الدینی، ۱۳۹۵، ص. ۲۲۷).

در غرب طبق فرهنگ نوین رایج به فرزندآوری روی می‌آورند و به شاخص‌های زیباشناسی نیز توجه می‌کنند؛ اما مدیریت بدن در بین برخی از زنان جامعه ما حالت افراطی به خود گرفته و به شکل بدن‌پرستی و تن‌آسایی نیز ظاهر شده و مانع جدی برای فرزندآوری و سیاست‌های افزایش جمعیت است؛ زیرا فرزندآوری باعث ایجاد تغییرات ناخوشایند در زیبایی‌های ظاهری و جسمی زنان است. آنها نگران چاقی، به هم خوردن تناسب اندام، بدشکلی و دیگر آسیب‌های بدنی‌اند. علاوه‌براین، داشتن تصویری مثبت از بدن و اعتماد نفس ناشی از آن، برای برخی زنان لذت‌بخش است. در مجموع، این دغدغه‌ها باعث کاهش تعداد فرزندان و تأخیر در زمان فرزندآوری است. علاوه‌براین، فرزندآوری و رشد و تربیت آن، مشکلات و سختی‌های خاص خود را دارد که در تعارض با لذت‌گرایی است.

خاستگاه الزامات فرهنگی روز جامعه (گرایش به فردگرایی، مصرف‌گرایی و لذت‌گرایی) ریشه در تغییر ارزش‌ها و نگرش‌ها دارد؛ تغییراتی که ساختار خانواده را با گونه‌های جدید مانند تنه‌زبستی، ازدواج‌های سپید یا هم‌خانگی‌ها مواجه کرده است. در این نوع از سبک زندگی، فرزندآوری جایگاهی ندارد. در فرهنگ غربی، فرزندان

متعددی از ازدواج‌های سپید و هم‌خانگی‌ها متولد می‌شوند و در چهارچوب فرهنگ غرب این امر پذیرفته شده است؛ اما چنین سبک‌های تعامل میان زنان و مردان، در تعارض با فرهنگ و ارزش‌های ایرانی-اسلامی است. علاوه بر این، روح جمعی اجتماعی در ایران پذیرای ازدواج‌های سپید و فرزندان ناشی از این امر نیست و از آنجاکه گسترش چنین رویه‌هایی در ایران موجب کاهش ازدواج می‌شود، مقوله فرزندآوری را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد (شرف‌الدین و عراقی، ۱۳۹۸، صص. ۱۰۶-۱۰۸).

علاوه بر تأثیر مؤلفه‌های نوین، تغییر ارزش‌ها نسبت به فرزندآوری، تابع سیاست‌های پیشین کشور نیز است. در گذشته که با مشکلات افزایش جمعیت روبه‌رو بودیم، سیاست‌های کاهش، کم‌فرزندی را ارزشمند و عامل زندگی بهتر تبلیغ می‌کرد. همسو با آن نگاه هنجاری جامعه نیز نسبت به تعداد زیاد بچه تغییر کرد؛ کم‌فرزندی، نشان فرهیختگی و برعکس، بچه زیاد نشان بی‌سوادی به‌شمار می‌آمد. برخی خدمات اجتماعی نیز به‌صورت رسمی به خانواده‌های پرجمعیت ارائه نمی‌شد؛ بنابراین، سیاست‌های پیشین کاهش جمعیت در کنار رواج فرهنگ و سبک زندگی مدرن، با استقبال عامه مردم مواجه و موفقیت‌آمیز می‌شود.

در برنامه‌های پیشین توسعه نیز، همواره بر افزایش سطح آگاهی‌های عمومی افراد جامعه در زمینه‌های مسائل جمعیتی تأکید شده است. با رواج این آموزش‌ها و فرهنگ‌سازی آن، انتظار پذیرش تغییر سیاست‌ها و جایگزینی سیاست‌های افزایشی دشوار به‌نظر می‌رسد؛ به‌ویژه اینکه امروزه وسایل فناورانه روزبه‌روز در حال گسترش است و همسو با آن سطح آگاهی‌های خانواده‌ها و به‌ویژه زنان با وسایل جدید در امر پیشگیری از بارداری بالاتر رفته است. هرچند سیاست‌های افزایشی در جهت تغییر نگاه ارزشی به کم‌فرزندی گام برمی‌دارد، ولی چالش اصلی در اینجاست که نگاه ارزشی خانواده‌ها نسبت به کم‌فرزندی، تغییر نکرده و همسو با سیاست‌های پیشین کاهش جمعیت و مطابق با سیاست‌های نوسازی است.

غلبه و رواج نگاه ارزشی به مصرف‌گرایی، تجمل‌گرایی و لذت‌گرایی نیز، باعث حاکمیت این نگرش در خانواده‌ها شده که باید همه امکانات روز را در اختیار فرزندان خود قرار دهند. به‌غیر از هزینه‌های مالی، امروزه در نگاه افراد، پرورش همه‌جانبه یک بچه نیز کار بسیار دشواری است؛ بنابراین، فرزندآوری مانع آسایش و آرامش است. این نگرش باعث شده است که برخی خانواده‌ها، نگهداری از حیوانات به‌ویژه سگ‌های خارجی را جایگزین فرزندپروری کنند؛ این فرهنگ از کلان‌شهرها و از طبقات مرفه جامعه در حال تسری به سایر شهرها و طبقات دیگر جامعه است. برای

این جایگزینی، دلایل بسیاری مانند ارضای نیازهای عاطفی، میل به پرورش، رفع تنهایی‌ها، انتخاب همبازی برای تک‌فرزندها و رهایی از مشکلات پرورش فرزند می‌توان برشمرد. در مجموع، فرهنگ انس با حیوانات خانوادگی به‌جای فرزند پذیرش جامعه و عادی شدن آن، تهدید جدی برای سیاست‌های افزایش جمعیت است. نتایج تحقیقات انجام شده نشان می‌دهد در برخی از خانواده‌ها حیوانات خانگی به‌عنوان موجوداتی بی‌توقع جای فرزند را گرفته‌اند (باقری؛ کردزنگنه و عنانهاد، ۱۴۰۱، ص. ۱۵).

تغییر وضعیت زنان، از دیگر تحولات اجتماعی و فرهنگی برآمده از سبک زندگی نوین و برنامه‌های نوسازی است؛ آنان بیشتر از گذشته به سمت فعالیت‌های اجتماعی و فرهنگی بیرون از خانه روی آورده‌اند و جایگاه خود را تغییر داده‌اند. علاوه‌براین، کارخانگی و بچه‌داری در مقایسه با گذشته تحقیرآمیز و بی‌ارزش است. سیاست‌های نوسازی و توسعه‌یافتگی نیز به زنان اجازه ماندن در خانه نمی‌دهد. تجربه کشورهای توسعه‌یافته در استفاده از ظرفیت‌های زنان به‌عنوان بخشی از نیروی جامعه، نشان می‌دهد توسعه کشورهای اسلامی نیز بدون مشارکت گسترده زنان در فرایند توسعه محقق نمی‌شود (کولایی، ۱۳۹۴، صص. ۱۰-۱۱). بدین ترتیب، توانمندسازی زنان به برنامه‌های توسعه ایران نیز راه یافته است. امروزه، زنان بیش از گذشته به دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی وارد شده و توانسته‌اند مدارج عالی را کسب کنند؛ بنابراین، به‌لحاظ فرهنگی، اجتماعی و حقوقی، خانه‌نشینی زنان ممکن نیست و با برنامه‌های توسعه و سایر سیاست‌های کلان در تعارض است، ولی تحصیلات عالی و مشاغل اجتماعی زنان، تهدیدی برای سیاست‌های افزایش جمعیت است. تحقیقات انجام شده بین افزایش تحصیلات زنان و کاستن میزان باروری آنان رابطه معنادار نتیجه گرفته‌اند (رازقی نصرآباد، ۱۳۹۵، ص. ۱۸۶).

جدول (۴): عوامل بیرونی (محیطی) سیاست‌های جمعیتی

عوامل بیرونی	کد	فرصت‌ها و تهدیدهای سیاست‌های افزایش جمعیت
فرصت‌ها	01	به‌کارگیری امکانات و ظرفیت‌های فرهنگی و بومی کشور
	02	توجه به ایده‌ها و خلاقیت‌های نهادهای فرهنگی
	03	توجه به موقعیت فعلی کشور در دوران طلایی و پنجره جمعیتی و استفاده از ظرفیت‌های آن
	04	توجه به ظرفیت‌های سنتی و دینی در بین برخی از اقشار مردم

فرصت‌ها و تهدیدهای سیاست‌های افزایش جمعیت	کد	عوامل بیرونی
به‌ویژه شهرهای کوچک و روستاها		
استفاده از مشارکت‌های مردمی	O5	
افزایش سطح سواد و دانش عمومی افراد جامعه به‌ویژه در بین زنان	O6	
ورود و مشارکت زنان در امور اجتماعی و فرهنگی	O7	
رواج مؤلفه‌های فرهنگی مدرن (فردگرایی، مصرف‌گرایی و لذت‌گرایی)	T1	تهدیدها
توجه افراطی به مدیریت بدن و رواج تن‌آسایی	T2	
تغییر ارزش‌ها و نگرش‌های جامعه به‌ویژه جوانان نسبت به فرزندآوری	T3	
مقبولیت فرهنگی کم‌فرزندی و سقط جنین در جامعه	T4	
متفاوت‌شدن الگوی ازدواج و رواج ازدواج‌های سپید	T5	
رواج سبک زندگی تجردزیستی و تنهازیستی	T6	
گرایش روزافزون جامعه به سمت فرهنگ و سبک زندگی نوین	T7	
نهادینه شدن الگوی‌های فرهنگی سیاست‌های پیشین کاهش جمعیت در جامعه	T8	
بالارفتن ضریب پوشش تحصیلی دختران و گسترش فعالیت‌های اجتماعی و اشتغال زنان	T9	
افزایش سطح آگاهی‌های جامعه به‌ویژه زنان و تن ندادن به افزایش بُعد کمی خانوار	T10	
رواج فرهنگ انس با حیوانات خانگی به‌جای فرزندآوری	T11	
تعارض فرهنگ نهادینه شده در سطح جامعه با سیاست‌های فعلی رشد جمعیت	T12	

منبع: (طراحی نگارنده)

نتیجه گیری

نقاط قوت و ضعف راهبردهای فرهنگی سیاست‌های جمعیتی به‌عنوان عوامل درونی و فرصت‌ها و تهدیدهای محیطی به‌عنوان عوامل بیرونی شناسایی شد. بررسی این عوامل، نشان می‌دهد راهبردهای فرهنگی در حوزه سیاست‌گذاری جمعیتی با تأکید بر رشد جمعیت کشور از ناحیه وضعیت فرهنگی جامعه (محیط بیرونی) در حالت تدافعی قرار دارد. این وضعیت ناشی از غلبه نقاط ضعف داخلی (سیاست‌های جمعیتی) بر نقاط قوت داخلی است. علاوه‌براین، فشار تهدیدهای فرهنگی (محیط بیرونی) بر فرصت‌ها را نشان می‌دهد که این تهدیدها وضعیت جمعیتی آینده کشور را در وضعیت بحرانی قرار خواهد داد؛ بنابراین، باید به راهبردهایی توجه کرد که ضعف‌های داخلی را کاهش دهد، بر نقاط قوت و فرصت‌ها بیافزاید و درنهایت از تأثیرات تهدیدات فرهنگی محیط بیرونی بکاهد.

در این نوشتار، مهم‌ترین ضعف و چالش سیاست‌های جمعیتی و راهبردهای فرهنگی آن، نادیده گرفتن الزامات فرهنگی روز جامعه شناسایی شد. در این راستا، برای اثربخشی بیشتر و کمتر شدن تعارضات، توجه به واقعیت‌های فرهنگی روز جامعه و تفاوت‌های نسلی ضروری است. در سیاست‌های فرهنگی افزایش جمعیت، به ترویج سبک زندگی ایرانی - اسلامی اشاره می‌شود، ولی مسئله مهم پذیرش این نگرش‌ها توسط خانواده‌هاست؛ بنابراین در راهبردها باید به پذیرش فرهنگی خانواده‌ها توجه شود.

امروزه به‌دلیل گسترش سریع رسانه‌ها و شبکه‌های مجازی، سرعت دگرگونی‌های فرهنگی بالا رفته است. همگام با پدیده جهانی شدن، شرایط پذیرش تحولات فرهنگ نوین غرب نیز، آسان‌تر و فراگیرتر شده است؛ بنابراین، در سیاست‌ها باید به سرعت پیشروی مسیر فرهنگی کشور توجه بیشتری شود. علاوه‌براین، در دنیای معاصر، پدیده‌های نوظهور به‌شیوه‌های گوناگون و در همه ابعاد سبک زندگی ما وارد و باعث تغییرات عمیق فرهنگی شده‌اند؛ مانند روش‌های نوین برگزاری مراسم جشن‌ها و عزاداری‌ها؛ بنابراین، با وجود فناورهای نوین ارتباطی، امکان منع فرهنگی نیز وجود ندارد و چه‌بسا نتیجه عکس دهد. به‌نظر می‌رسد در سیاست‌های فرهنگی رشد جمعیت، باید شرایط تعامل آگاهانه فرهنگی فراهم شود؛ بدین‌صورت که زمینه آشنایی هوشمندانه با سایر فرهنگ‌ها به‌ویژه فرهنگ نوین فراهم شود تا کاستی‌هایشان آشکار شود. در قیاس با آن نیز برای تبیین اهمیت و حفظ ارزش‌های

فرهنگ خویش و بهره‌برداری آگاهانه و به‌روز از آن تلاش شود تا اقبال به آن بیشتر گردد.

نکته مهم دیگر اینکه، امروزه مظاهر فرهنگ و سبک زندگی نوین غرب برای جامعه؛ به‌ویژه نسل جوان جذابیت و کارایی بیشتری دارد. از جمله دستاوردهای فناوری نوین که به فعالیت‌ها، سرعت و آسانی بخشیده و کارایی آن را در سبک زندگی مردم با توجه به مشغله‌های فراوان و کمبود زمان نمی‌توان منکر شد. از سوی دیگر، برخی از داشته‌های فرهنگی به‌ویژه در حوزه خانواده و ازدواج براساس جهالت‌ها، تعصبات و سنت‌های غلط بنا شده‌اند و امروزه پذیرش ندارند؛ بنابراین، در راهبردهای فرهنگی رشد جمعیت، پالایش و ارتقاء این موارد ضروری به‌نظر می‌رسد. علاوه‌براین، هم در پالایش فرهنگ خودی و هم در رویارویی با تحولات فرهنگی نوین، باید بر مهارت انتخاب‌گری سرمایه‌گذاری کرد؛ زیرا اگر فرهنگ‌گزینش‌گری در برابر مواجهه روزافزون با پدیده‌های نوظهور در جامعه رواج پیدا نکند و به توانمندی انتخاب درست دست نیابیم، الگوی فرهنگی ازدواج و فرزندآوری برای جمعیت جوان کشور به‌آسانی تغییر نمی‌یابد؛ چون در دنیای امروز نمی‌توان جلوی انتشار اطلاعات را گرفت؛ بنابراین، باید کارآمدی، صحیح و مفیدبودن پدیده‌های قدیم و جدید فرهنگی به‌طور جدی‌تر بحث و بررسی شود. علاوه‌براین، در راهبردهای فرهنگی رشد جمعیت باید به مواردی از سنت‌های فرهنگی مانند مهمان‌نوازی، دورهم‌نشینی، نوع‌دوستی و یاری‌گری بیشتر توجه کرد؛ زیرا همواره زنده و پویا هستند.

در راهبردهای فرهنگی رشد جمعیت، توجه به عقلانیت و خردپذیری برای ارائه ملاک پذیرش یا ردّ مؤلفه‌های جدید فرهنگ غرب لازم است؛ زیرا آن دسته از تغییرات فرهنگی که توسط یافته‌های علمی و پژوهشی معتبر تأیید می‌شوند، قابلیت پذیرش بیشتری دارند. بر همین اساس، دگرگونی‌های فرهنگی جامعه مانند فردگرایی، مصرف‌گرایی و تأثیر آنها در کاهش ازدواج و رشد جمعیت نیازمند توجیه عقلانی است.

چنانچه اشاره شد بنابر نظر محققان، ساختار و کارکرد خانواده در ایران تضعیف شده، ولی هنوز جایگاه خود را به‌عنوان یک نهاد بنیادین حفظ کرده و عامل تربیت و فرهنگ‌پذیری افراد جامعه است؛ بنابراین، در سیاست‌های فرهنگی رشد جمعیت باید بیشتر بر مناسبات خانوادگی از طریق مشوق‌های فرهنگی و مقیدکردن ارائه خدمات فرهنگی-رفاهی در چهارچوب خانواده و احیای سنت‌های دوره‌می تکیه کرد؛ زیرا خانواده‌گرایی و تقویت ارزش‌های فرهنگ خودی در آن، باعث می‌شود ناسازگاری

عناصر فرهنگی جوامع دیگر عیان و مانع اقتباس از آن شود.

حل بحران‌های فرهنگی رشد جمعیت، نیازمند همکاری هم‌جانبه نهادهای مختلف دولتی، خصوصی و سازمان‌های مردم‌نهاد است؛ بنابراین، تقسیم وظایف و شفافیت سهم دولت، خانواده و نهادهای مربوطه، به نتیجه‌دهی بهتر کمک می‌کند. مسئله مهم‌تر اینکه، سیاست‌های جمعیتی برای همکاری خانواده‌ها و مردم باید اعتمادسازی کنند و نگرانی‌ها از آینده رفع شود؛ به‌ویژه اینکه امروزه شرایط معیشتی مردم سخت‌تر از گذشته شده و همکاری دوباره آنها نیز دشوارتر است. در تحقیق میدانی که درباره فرزندآوری در سطح ملی انجام شده است، مهم‌ترین دلایل عدم تمایل به فرزندآوری را نگرانی درباره تأمین آینده فرزندان جدید و افزایش مشکلات اقتصادی با آوردن فرزند دیگر گزارش می‌کند (حائری مهریزی و دیگران، ۱۳۹۶، ص. ۶۳۹).

به‌دلیل تفاوت‌های فرهنگی، سیاست‌های واحدی را نمی‌توان برای همه مناطق اعمال کرد؛ بنابراین، علاوه بر توجه به موازنه و آمایش سرزمینی رشد جمعیت، باید نوعی آمایش فرهنگی در مناطق مختلف کشور انجام شود و بیشتر روی مناطقی سرمایه‌گذاری کرد که به‌لحاظ فرهنگی میل به فرزندآوری ندارند؛ به‌ویژه خانواده‌های متمکن که نیازی به مشوق‌های مالی ندارند بلکه بیشتر باید به مشوق‌های فرهنگی توجه کرد. برعکس مناطق و خانواده‌هایی که توان مالی ندارند، ولی زیرساخت فرهنگی مناسب برای فرزندآوری را دارند؛ بنابراین، در راهبردهای فرهنگی باید به ظرفیت‌های فرهنگی و مالی مناطق مختلف کشور توجه و مؤلفه‌های سنجیده‌تری برای مشوق‌ها در نظر گرفته شود؛ زیرا معمولاً سیاست‌های تشویقی و تبلیغاتی، روی توده و عامه مردم اثر می‌گذارد و قشرهای خاص، سبک زندگی‌شان را با سیاست‌ها و تبلیغ‌ها تغییر نمی‌دهند؛ بنابراین، توجه به تراکم فرهنگی و تفاوت‌های توده‌ای و نخبگان در راهبردهای فرهنگی رشد جمعیت ضروری است؛ زیرا تعداد زیادی از مخاطبان این سیاست‌ها را جوانان تحصیل‌کرده تشکیل می‌دهند که توانایی ارزیابی شرایط را دارند و به‌نظر می‌رسد که تمایل به تصمیم‌گیری عقلانی در میان آنها بیش از اطاعت محض و احساسات‌گرایی است (اجاق و عباسی‌شوازی، ۱۳۹۷، ص. ۱۵۶).

در مجموع، بررسی نقاط ضعف و قوت سیاست‌ها و راهبردهای فرهنگی در حوزه سیاست‌گذاری جمعیتی کشور به‌عنوان عوامل داخلی نشان می‌دهد این سیاست‌ها، بیشتر بر مشوق‌های مالی و رفاهی متمرکز شده است. علاوه بر این، دارای نقاط ضعف اساسی مانند فاصله بین واقعیت‌های روز جامعه و بایدونبایدهای سیاست‌های

جمعیتی، نبود نگاه کلان فرهنگی و... است. توجه به ظرفیت‌های سنتی و دینی، مشارکت‌های مردمی و ظرفیت جوانی و پویایی نیروی فعلی کشور، جزو مهم‌ترین فرصت‌های بیرونی مطرح شد. الزامات فرهنگی روز جامعه مانند فردگرایی، مصرف‌گرایی، لذت‌گرایی، تن‌آسایی، پرورش حیوانات خانگی به‌جای فرزندپروری و تغییر ارزش‌ها و نگرش‌ها درباره ازدواج و فرزندآوری، مهم‌ترین تهدیدهای محیطی شناسایی شد که مانع جدی برای سیاست‌های افزایش جمعیت و یا خنثی‌کننده آن است؛ بنابراین، فرهنگ و سبک زندگی نوین روز جامعه با سیاست‌ها و راهبردهای فرهنگی رشد جمعیت در تعارض است و خلاف جهت یکدیگر حرکت می‌کنند. سیاست‌های پیشین کاهش جمعیت و برنامه‌های توسعه و نوسازی نیز سهم مؤثری در این تعارضات و تغییر نگرش و فرهنگ مردم نسبت به ارزش فرزندآوری داشته است. به‌نظر می‌رسد برای رسیدن به وضعیت مطلوب فاصله بسیار است و با صرف جایگزینی سیاست‌های افزایشی به‌جای سیاست‌های کاهش‌ی، نمی‌توان الگوی فرهنگی ازدواج و فرزندآوری را برای جمعیت جوان کشور به‌آسانی تغییر داد. از این‌رو، راهبردهای فرهنگی رشد جمعیت برای ساخت آینده جمعیتی مطلوب، نیازمند بازنگری با توجه به واقعیت‌های فرهنگی روز جامعه است تا بتواند بر تهدیدها غلبه و از مصلحت‌های جمعیتی کشور در آینده دفاع کند.

جدول (۵): راهبردهای پیشنهادی

توجه به واقعیت‌های فرهنگی روز جامعه از طریق ترسیم صورت‌بندی فرهنگی رشد جمعیت توسط متخصصان فرهنگی و ایجاد کانون‌های همگرایی برای مهارت‌ورزی و تقویت ارتباطات بین‌نسلی با استفاده از شیوه تعادل بین نگاه‌های آرمانگرا و لذت‌گرا	WT1
بررسی میزان پذیرش فرهنگی خانواده‌ها نسبت به الگوهای فرهنگی ارائه شده در سیاست‌های جمعیتی برای برنامه‌ریزی واقع‌بینانه و پیش‌رونده با استفاده از پیمایش فرهنگی به‌روز در سطح ملی	WT2
فراهم‌سازی زمینه تعامل آگاهانه فرهنگی با سایر فرهنگ‌ها به‌منظور افزایش بصیرت و قدرت تشخیص مزایای فرهنگ بومی با استفاده از فناوری‌های ارتباطی نوین	WT3
پالایش سنت‌های غلط و ارتقاء برخی داشته‌های فرهنگی خود بدون تعصب از طریق محصولات فرهنگی و هنری متنوع	WT4
سرمایه‌گذاری بر مهارت انتخاب‌گری در رویارویی با تحولات فرهنگی نوین با	WT5

استفاده از مراکز آموزشی و سازمان‌های مردم‌نهاد فرهنگی	
تمرکز بر باورهای فرهنگی و سنتی فرزندآوری از طریق شبکه‌های اجتماعی و ساخت پویانمایی‌های جذاب	WT6
ارائه ملاک عقلانی برای پذیرش یا رد مؤلفه‌های فرهنگ نوین غرب (فردگرایی، مصرف‌گرایی، ازدواج سپید و...) با هدف روشنگری و تعارض این مؤلفه‌ها با فرهنگ بومی و از طریق مراکز آموزشی و محصولات فرهنگی و فناوری‌های روز	WT7
اعتمادسازی فرهنگی از طریق افزایش آگاهی خانواده‌ها نسبت به مزایای فرهنگ بومی و تبیین شفاف از معضلات کاهش جمعیت برای آینده کشور به‌وسیله کارگاه‌های آموزشی رایگان و جلسات پیوسته انجمن اولیا و مربیان مدارس و خانه‌های بهداشت	WT8
استفاده از ظرفیت‌های سازمان‌های مردم‌نهاد برای حل بحران‌های فرهنگی رشد جمعیت از طریق انعقاد قراردادهای همکاری دوجانبه با تقسیم وظایف شفاف	WT9
توجه به آداب و رسوم و امکانات محلی مناطق مختلف کشور از طریق سنجش توسط مرکز رصد فرهنگی کشور برای انتخاب متناسب نوع مشوق‌های فرهنگی و مالی فرزندآوری	WT10
انجام آمایش فرهنگی در کل کشور توسط مؤسسات پژوهشی به‌منظور دستیابی به ظرفیت‌ها و تفاوت‌های فرهنگی و به‌کارگیری نتایج آن برای برنامه‌ریزی و سرمایه‌گذاری مؤثر بر رشد جمعیت	WT11
توجه به تعارض منافع سیاست‌ها و سیاست‌گذاران با منافع و خواست مردمی از طریق رصد و سنجش دوره‌ای و استفاده از داده‌ها در برنامه‌ریزی‌ها	WT12
توجه به مشارکت‌های مردمی برای فرهنگ‌سازی رشد جمعیت از طریق فرهنگسراها و سرای محله	WT13

منبع: (طراحی نگارنده)

فهرست منابع

- آزادارمکی و دیگران (۱۳۷۹). بررسی تحولات اجتماعی و فرهنگی در طول سه نسل خانواده تهرانی، نامه علوم اجتماعی، ۸(۱۶)، ۳-۲۹.
- ادگار، اندرو و سچ ویک، پیتر (۱۳۸۷). مفاهیم بنیادی نظریه فرهنگی. ترجمه مهران مهاجر و محمد نبوی، تهران: آگاه.
- ارجمند سیاهپوش، اسحق و برومند، ناهید (۱۳۹۵). بررسی عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر گرایش به فرزندآوری در شهر اندیمشک با تأکید بر سبک زندگی. فصلنامه مطالعات جامعه‌شناختی جوانان، ۶(۲۱)، ۹-۲۴.
- ازکیا، مصطفی و غفاری، غلامرضا (۱۳۸۶). جامعه‌شناسی توسعه. تهران: کیهان.
- امانی، مهدی (۱۳۸۹). مبانی جمعیت‌شناسی. تهران: سمت.
- امیرپورسعید، محمدعلی؛ سیفی، بهناز و رضایی، احمد (۱۴۰۰). سبک زندگی و مدیریت بدن: مطالعه‌ای جامعه‌شناختی (مطالعه موردی: زنان شهر رفسنجان). مطالعات جامعه‌شناسی، ۱۴(۵۳)، ۴۰-۷۰.
- باقری، رحمان؛ کردزنگنه، جعفر و عنانهاد، محبوبه (۱۴۰۱). مطالعه جامعه‌شناختی پدیده نگهداری از حیوانات خانگی (مطالعه موردی شهر اهواز، سال ۱۴۰۰). مطالعات توسعه اجتماعی - فرهنگی، ۱۰(۴)، ۹-۳۹.
- برایسون، جان (۱۳۸۱). برنامه‌ریزی استراتژیک برای سازمان‌های دولتی و غیرانتفاعی. ترجمه عباس منوریان، تهران: مرکز آموزش مدیریت دولتی.
- بیگدلی، مهرانز (۱۳۸۹). شش روش نوین تحقیق در مدیریت و برنامه‌ریزی. پیام مدیران، ۲۱(۲۱)، ۴۷-۵۳.
- پیرس، جان و رابینسون، ریچاردکنت (۱۳۷۶). برنامه‌ریزی و مدیریت استراتژیک. ترجمه سهراب خلیلی شورینی، تهران: انتشارات یادواره کتاب.
- حائری مهریزی، علی‌اصغر و دیگران (۱۳۹۶). دلایل تمایل و عدم تمایل به فرزندآوری در میان مردم شهری و روستایی ایران: یک مطالعه ملی. پایش، ۱۶(۵)، ۶۳۷-۶۴۵.
- حیدری، عصمت؛ ساروخانی، باقر و ادیسی، افسانه (۱۴۰۲). بررسی جامعه‌شناختی تأثیر عوامل اجتماعی بر گرایش زنان به تک‌فرزندی. راهبرد اجتماعی فرهنگی، ۱۲(۳)، ۱۰۵۵-۱۰۸۲.
- خجیر، یوسف (۱۳۹۸). روش تحلیل راهبردی (SWOT) در ارتباطات و رسانه. علوم

خبری، ۸(۲۹)، ۱-۱۶.

دیوید، فردآر (۱۳۹۳). مدیریت استراتژیک. ترجمه محمد اعرابی و محمد تقی‌زاده مطلق، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.

رحیمی، علی و رازقی نصرآباد، حجه‌بی‌بی (۱۳۹۸). تحولات و چالش‌های ساختاری و کارکردی نهاد خانواده در ایران: یک مرور نظام‌مند. فصلنامه جمعیت، ۲۶(۱۱۰) و ۱۰۹، ۵۰-۹۰.

رقیبی، مهوش و میناخانی، غلامرضا (۱۳۹۰). ارتباط مدیریت بدن با تصویر بدنی و خودپنداره. دانش و پژوهش در روان‌شناسی کاربردی، ۱۲(۴۶)، ۷۲-۸۱.

سهراب‌زاده، مهران؛ نیازی، محسن و افرا، هادی (۱۳۹۹). تبیین جامعه‌شناختی رابطه فردگرایی و تغییر در ساختار خانواده. دوفصلنامه پژوهش‌های انتظامی - اجتماعی زنان و خانواده، ۸(۱)، ۱۷۳-۱۹۴.

شرف‌الدین، سید حسین (۱۳۹۴). مصرف‌گرایی در سبک زندگی مدرن و دینی. پژوهش‌نامه سبک زندگی، ۱۱(۱)، ۷-۳۰.

شرف‌الدین، سید حسین و چراغی کوتیانی، اسماعیل (۱۳۹۳). نقش فرهنگ و ساختارهای فرهنگی در تحولات جمعیتی. معرفت فرهنگی/اجتماعی، ۶(۱)، ۵۱-۷۸.

شرف‌الدین، سید حسین و عراقی، جلال (۱۳۹۸). بررسی تحلیلی ابعاد مختلف ازدواج سفید در ایران (مؤلفه‌های از سبک زندگی غربی). پژوهش‌نامه سبک زندگی، ۱۵(۹)، ۱۰۵-۱۲۴.

شورای عالی انقلاب فرهنگی (۱۳۹۳). ساختار و روند جمعیتی ایران و لزوم تجدیدنظر در سیاست‌های جمعیتی. سیاست کلان، ۳(۳).

عباسی‌شوازی، محمدجلال؛ محمودیان، حسین؛ صادقی، رسول و قربانی، زهرا (۱۳۹۷). تأثیر جهت‌گیری‌های ارزشی-نگرشی بر ایده‌آل‌های فرزندآوری در

ایران. نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران، ۱۳(۲۶)، ۳۷-۶۶.

فروتن، یعقوب (۱۳۹۹). تحلیل جامعه‌شناسی تمایلات باروری و تعلقات مذهبی در ایران. فصلنامه علمی مطالعات فرهنگ - ارتباطات، ۲۱(۲۵)، ۹-۳۳.

فروتن، یعقوب و اشکاران، ربابه (۱۳۹۷). بررسی جمعیت‌شناختی و فرهنگی - اجتماعی ترجیح جنسیتی در ایران. جامعه‌شناسی کاربردی، ۲۹(۴)، ۵۹-۷۸.

فروتن، یعقوب و کرمی، فرشاد (۱۳۹۵). الگوها و تعیین‌کننده‌های تمایلات فرزندآوری در ایران. نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران، ۱۱(۲۱)، ۷۱-۱۰۰.

- فولادی، محمد (۱۳۹۲). بازکاوی و نقد نظریه‌ها و سیاست‌های جمعیتی با تأکید بر سیاست جمعیتی اخیر ایران. *معرفت فرهنگی/اجتماعی*، ۴(۲)، ۱۴۵-۱۷۲.
- کاظمی‌پور، شهلا (۱۴۰۰). تغییرات فرهنگی و تحول خانواده معاصر با تأکید بر ازدواج و فرزندآوری. *رهپویه ارتباطات و فرهنگ*، ۱(۱)، ۷-۲۱.
- کاوه‌فیروز، زینب؛ زارع، بیژن و شمس‌الدینی، حسین (۱۳۹۵). تأثیر مؤلفه‌های سبک زندگی بر نگرش به فرزندآوری (مطالعه موردی: زنان در آستانه ازدواج شهر تهران). *زن در توسعه و سیاست*، ۱۴(۲)، ۲۱۷-۲۳۴.
- کتابی، احمد (۱۳۷۷). *درآمدی بر اندیشه‌ها و نظریه‌های جمعیت‌شناسی*. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- کولایی، الهه و حافظیان، محمدحسین (۱۳۸۵). نقش زنان در توسعه کشورهای اسلامی. *پژوهش زنان*، ۴(۱ و ۲)، ۳۳-۶۰.
- لوکاس، دیوید و میر، پاول (۱۳۸۱). *درآمدی بر مطالعات جمعیتی*. ترجمه حسین محمودیان، تهران: دانشگاه تهران.
- محمدپور، احمد و دیگران (۱۳۸۸). سنت، نوسازی و خانواده: مطالعه تداوم و تغییرات خانواده در اجتماع‌های ایلی با استفاده از رهیافت روش تحقیق ترکیبی. *زن در توسعه و سیاست*، ۷(۴)، ۷۱-۹۳.
- مداحی، جواد؛ زارع، بیژن؛ سراج‌زاده، سیدحسین و حبیب‌پورگتایی، کرم (۱۴۰۰). مسئله تجرد: سوز و زیست‌جهان نوپدید دختران شهر تهران. *بررسی مسائل اجتماعی ایران*، ۱۲(۱)، ۷-۴۳.
- مشفق، محمود و حسینی، قربان (۱۳۹۱). آینده‌پژوهی تغییرات جمعیتی ایران طی دوره ۱۳۹۰-۱۴۲۰. *معرفت فرهنگی/اجتماعی*، ۱۱(۱۳)، ۲۱-۴۲.
- معیدفر، سعید و صبوری خسروشاهی، حبیب (۱۳۸۹). بررسی میزان فردگرایی فرزندان در خانواده. *پژوهشنامه علوم اجتماعی*، ۴(۴)، ۹۳-۱۱۰.
- مقام معظم رهبری (۲۸ آبان ۱۳۹۸). بیانات در دیدار جمعی از تولیدکنندگان، کارآفرینان و فعالان اقتصادی، قابل دسترس در: khamenei.ir
- میرزایی، محمد (۱۳۷۵). *متغیرهای جمعیتی و فرهنگ. مطالعات فرهنگ و ارتباطات*، ۱۰(۱)، ۶۹-۷۶.
- نائینی، علی محمد (۱۳۸۹). *درآمدی بر مدیریت فرهنگی*. تهران: ساقی.
- نقشه مهندسی فرهنگی کشور (۱۳۹۲). دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی، قابل دسترس در: <https://sccr.ir/>

یاراحمدی خراسانی، مهدی (۱۳۹۳). فرصت طلایی پنجره جمعیتی و ضرورت حفظ نمای جوانی در کشور. *گفتمان الگو*، (۴)، ۵۸-۶۰.

یوسفی، رضا؛ آقازاده، سمیرا؛ اکبری، ناصر و تقی‌زاده، بهرام (۱۳۹۴). بررسی نقش مدیریت مشارکتی در بهبود فرایند مدیریت انسانی. *کنفرانس‌های بین‌المللی پژوهش‌های نوین مدیریت، اقتصاد و حسابداری*. استانبول: مؤسسه مدیران ایده‌پرداز پایتخت ایلینا.

Harrison, J. P. (2021). *Essentials of Strategic Planning in (Healthcare Gateway to Healthcare Management)*. Health Administration Press; 3rd edition.

References

- Abbasi Shawazi, Mohammad Jalal, Mahmoudian, Hossein, Sadeghi, Rasoul and Ghorbani, Zahra (2017). The effect of value-attitude orientations on the ideals of having children in Iran, *Journal of the Iranian Demographic Association*, 13 (26), pp. 66-37. (In Persian)
- Amani, Mehdi (1389). *Fundamentals of Demography*, 9th edition, Tehran: Samt. (In Persian)
- Amirpoursaid, Mohammad Ali, Seifi, Behnaz and Rezaei, Ahmad (1400). Lifestyle and body management: a sociological study (case study: women of Rafstjan city), *Sociological Studies*, 14 (53), pp. 40-70. (In Persian)
- Arjamand Siahposh, Ishaq and Broumand, Nahid (2015). Investigating social and cultural factors affecting the tendency to have children in Andimeshk city with an emphasis on lifestyle, *Youth Sociological Studies Quarterly*, 6 (21), pp. 9-24. (In Persian)
- Bagheri, Rahman, Kurdzanganeh, Jafar and Ananhad, Mahbubeh (1401). Sociological study of the phenomenon of keeping pets (case study of Ahvaz city, year 1400), *Socio-Cultural Development Studies*, 10 (4), pp. 9-39. (In Persian)
- Bigdeli, Mehrnaz (2009). Six new research methods in management and planning. *Message of administrators*, (21), pp. 53-47. (In Persian)
- Bloom, D. E. (2002). *The Demographic Dividend: A New Perspective on the Economic Consequences of Population Change*. California: Santa Monica.
- Cultural engineering map of the country (2013). Secretariat of the Supreme Council of Cultural Revolution, available at: <https://sccr.ir/>
- David, Fredar (2014). *Strategic management*. Translated by Mohammad Arabi and Mohammad Taghizadeh Mutlaq, Tehran: Cultural Research

Office.

- Ezekia, Mostafa and Ghafari, Gholamreza (2006), *Sociology of Development*, Tehran: Kayhan. (In Persian)
- Fortun, Yaqoub and Karimi, Farshad (2015). Patterns and determinants of childbearing tendencies in Iran, *Journal of the Iranian Demographic Association*, 11 (21), pp. 71-100. (In Persian)
- Fortun, Yaqoub (2019). Sociological analysis of fertility tendencies and religious affiliations in Iran, *Scientific Quarterly of Culture-Communication Studies*, 21 (25), pp. 9-33. (In Persian)
- Fortun, Yaqoub and Ashkaran, Rababe (2017). Demographic and socio-cultural survey of gender preference in Iran, *Applied Sociology*, 29 (4), pp. 59-78. (In Persian)
- Fuladi, Mohammad (1392). Reviewing and criticizing population theories and policies with an emphasis on Iran's recent population policy, *Marafet cultural and social knowledge*, 4 (2), pp. 145-172. (In Persian)
- Fundamental Concepts of Cultural Theory, translated by Mehran Mohajer and Mohammad Nabavi, Tehran: Agah.
- Haeri Mehrizi, Ali Asghar and colleagues (2016). Reasons for willingness and unwillingness to have children among urban and rural people of Iran: a national study, *Paish*, 16 (5), pp. 645-637. (In Persian)
- Harrison, J. P. (2021). *Essentials of Strategic Planning in (Healthcare Gateway to Healthcare Management)*. Health Administration Press; 3rd edition. (In Persian)
- Heydari, Esmet, Sarukhani, Bagher and Idrisi, Afsanah (1402). Sociological study of the impact of social factors on women's tendency to have one child, *Social and Cultural Strategy*, 12 (3), pp. 1055-1082. (In Persian)
- Khajir, Yusuf (2018). Strategic analysis method (SWOT) in communication and media, *News Sciences*, 8 (29), pp. 1-16. (In Persian)
- Kazempour, Shahla (1400). Cultural changes and transformation of the contemporary family with an emphasis on marriage and childbearing, *Communication and Culture Pathway*, 1 (1), pp. 7-21. (In Persian)
- Kaveh Firoz, Zainab, Zare, Bijan and Shams Edini, Hossein (2015). The effect of lifestyle components on the attitude towards having children (case study: women on the threshold of marriage in Tehran), *Women in Development and Politics*, 14 (2), pp. 217-234. (In Persian)
- Ketabi, Ahmed (1377). *An introduction to the ideas and theories of demography*, Tehran: Research Institute of Humanities and Cultural Studies. (In Persian)
- Kirk, D. (1966). Factors Affecting Moslem Natality In B. Berelson, Et Al (Eds), *Family Planning And Populaton Programs*, . Chicago: University Of Chicagi Press
- Kolayi, Elaha and Hafezian, Mohammad Hossein (2005). The role of women in the development of Islamic countries, *Women's Research*, 4 (1, 2), pp. 33-60. (In Persian)

- Lucas, David and Paul Mir (2011). An introduction to population studies, translated by Hossein Mahmoudian, Tehran: University of Tehran.
- Madahi, Javad, Zare, Bijan, Serajzadeh, Seyed Hossein and Habibpour Getabi, Karam (1400). The problem of celibacy: the subject and life of the emerging world of girls in Tehran, *Iranian Social Issues Review*, 12 (1), pp. 7-43. (In Persian)
- Mirzaei, Mohammad (1375). Demographic variables and culture, culture and communication studies, (1) 10, pp. 76-69. (In Persian)
- Mohammadpour, Ahmed et al. (2008). Tradition, modernization and family: studying family continuity and changes in Ili communities using a mixed research approach, *Women in Development and Politics*, 7 (4), pp. 71-93. (In Persian)
- Mushfaq, Mahmoud, and Hosseini, Ghorban (2013). The future of the study of demographic changes in Iran during the period 2010-2015, *Cultural and Social Knowledge*, 1 (13), pp. 21-42. (In Persian)
- Naini, Ali Mohammad (1389). An introduction to cultural management. Tehran: Saqi. (In Persian)
- Pierce, John and Robinson, Richard Kent (1376). Strategic planning and management, translated by Sohrab Khalili Shourini, Tehran: Yadavare Kitab Publications.
- Rahimi, Ali and Razqi Nasrabad Hajieh Bibi (2018). Developments and structural and functional challenges of the family institution in Iran: a systematic review, *Jamiat Quarterly*, 26, (110 and 109), 50-90. (In Persian)
- Rakibi, Mahosh and Minakhani, Gholamreza (2018). The relationship between body management and body image and self-concept, knowledge and research in applied psychology, 12 (46), pp. 81-72. (In Persian)
- Sharafuddin, Seyyed Hossein (2014). Consumerism in modern and religious lifestyles, *Lifestyle Research Journal*, 1 (1), pp. 7-30. (In Persian)
- Sharafuddin, Seyed Hossein and Chiraghi Kotiani, Ismail (2013). The role of culture and cultural structures in population changes, social cultural knowledge, 6 (1), pp. 51-78. (In Persian)
- Sohrabzadeh, Mehran, Niazi Mohsen and Afra, Hadi (2019). Sociological explanation of the relationship between individualism and changes in the family structure, *Two-Quarter Journal of Police-Social Research on Women and Family*, 8 (1), pp. 173-194. (In Persian)
- Supreme Council of Cultural Revolution (2013). Iran's population structure and trends and the need to revise population policies, *Poliat Kalan*, 3 (3).
- Supreme Leader (November 28, 2018). Statements in a group meeting of producers, entrepreneurs and economic activists, available at: khamenei.ir
- Yarahmad Khorasani, Mahdi (2013). The golden opportunity of the demographic window and the necessity of maintaining a youthful

appearance in the country, *Algolon Discourse*, (4), pp. 58-60. (In Persian)

Yousefi, Reza; Aghazadeh, Samira; Akbari, Naser and Bahram Taghizadeh (2014). Examining the role of participatory management in improving the human management process. *International conferences on modern researches in management, economics and accounting*. Istanbul: Institute of Ideparaz Capital ILIA Managers. (In Persian)